



محرم الحرام ۱۴۴۱



۵۹/۶/۱

دوره مقدماتی
فقه المکاسب
جلسه پنجم

۱. تأثیر روایات عام و بخشی مرتبط با حوزه تولید چیست؟ (خلاصه باب دوم فقه المکاسب)
۲. ویژگی‌های الگوی تجارت و بازار از منظر آیات و روایات چیست؟ (باب سوم فقه المکاسب)
 - ۲/۱. پایه‌های تشویق به تجارت در روایات چیست؟
 - ۲/۲. زیرساخت‌های موردنیاز برای ترویج تجارت در روایات چیست؟
 - ۲/۳. فواید عمومی شدن تجارت چیست؟

شوای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی

۲۶ شهریور ۱۳۹۸

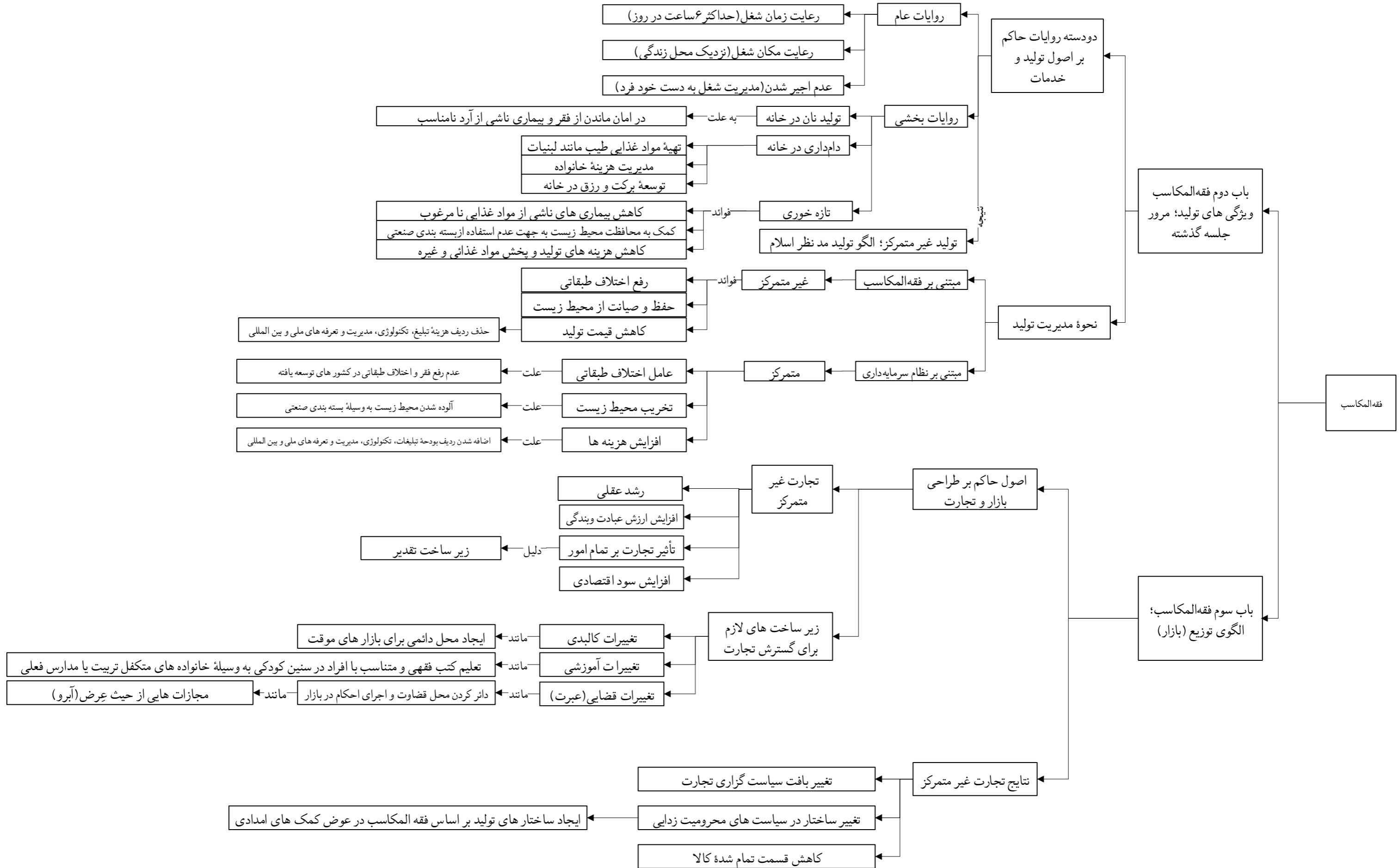
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَكَايِنُ مِنْ نَبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ.

آیه ۱۴۶ سوره مبارکه آل عمران

چه بسا پیامبرانی که انبوهی دانشمندان الهی مسلک [و کاملان در دین] به همراه او با دشمنان جنگیدند، پس در برابر آسیب‌هایی که در راه خدا به آنان رسید، سستی نکردند و ناتوان نشدند و [در برابر دشمن] سر تسلیم و فروتنی فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

تبیین دوره مقدماتی فقه المکاسب (جلسه پنجم)



شناسنامه:

جزوه پیش رو متن پیاده شده سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) در نشست تخصصی تبیین فقه المکاسب (جلسه پنجم) است که در تاریخ ۱۷ محرم الحرام ۱۴۴۱ (۲۶ شهریورماه ۱۳۹۸) در مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در شهر مقدس قم برگزار شده است. پیشنهاد می شود جزوه و نمودار این جلسه به ترتیب در قطع A۴ و A۳ چاپ شود.

فهرست مباحث

۱. مقدمه خلاصه جلسه قبل (باب دوم فقه المکاسب): روایات عام و بخشی در حوزه تولید؛ دو دسته روایات مرتبط با تولید..... ۱
- ۱/۱. رعایت شرایط زمانی و مکانی شغل و اجیر نشدن؛ روایات عام بخش تولید..... ۱
- ۱/۲. تولید نان در خانه، دآمداری متناسب با فضای خانه و تازه خوری؛ برخی از روایات بخشی تولید..... ۳
- ۱/۳. اصل بودن تولید غیر متمرکز؛ نتیجه دو دسته آیات و روایات عام و بخشی در ویژگی‌های الگوی تولید..... ۵
- ۱/۳/۱. تحقق عدالت؛ اولین خاصیت تولید غیر متمرکز..... ۵
- ۱/۳/۲. حفظ محیط زیست؛ دومین خاصیت تولید غیر متمرکز..... ۶
- ۱/۳/۳. کاهش قیمت تمام شده؛ سومین خاصیت تولید غیر متمرکز..... ۶
۲. ویژگی‌های الگوی تجارت و بازار از منظر روایات و آیات؛ باب سوم فقه المکاسب..... ۷
- ۲/۱. بهبود کیفیت، دریافت سود اقتصادی، رشد عقل و تأثیر تجارت بر همه چیز؛ چهار دسته روایت مبنی بر تشویق به تجارت..... ۷
- ۲/۱/۱. بهبود کیفیت عبادت؛ دسته اول فوائد تجارت در اسلام..... ۷
- ۱/۳/۲. دریافت سود اقتصادی؛ دسته دوم فوائد تجارت در اسلام..... ۸
- ۱/۳/۳. رشد عقل؛ دسته سوم فوائد تجارت در اسلام..... ۹
- ۲/۳/۴. تأثیر تجارت بر تمام امور؛ دسته چهارم فوائد تجارت در اسلام..... ۱۰
- ۲/۲. ایجاد بازارهای موقت، آموزش قواعد فقهی کسب و برخورد قضایی با تخلفات در خود بازار؛ زیرساخت‌های ثلاثه برای ترویج تجارت به صورت همگانی..... ۱۴
- ۲/۲/۱. ایجاد بازارهای موقت توسط حکومت؛ زیرساخت اول برای تسهیل تجارت همه سطوح جامعه..... ۱۴
- ۲/۲/۲. آموزش احکام تجارت؛ زیرساخت دوم ترویج تجارت..... ۱۵
- ۲/۲/۳. برخورد با تخلفات بازار در خود بازار؛ زیرساخت سوم ترویج تجارت..... ۱۶

۲/۳. تغییر در سیاست‌ها و قوانین حوزه تجارت، تغییر سیاست‌های محرومیت‌زدایی و کاهش قیمت تمام شده

کالا؛ دو دسته فایده عمومی شدن تجارت..... ۲۰

۲/۳/۱. تغییر در سیاست‌ها و قوانین حوزه تجارت؛ اولین دسته فایده عمومی شدن تجارت..... ۲۰

۲/۳/۲. تغییر سیاست‌های محرومیت‌زدایی؛ دومین دسته فایده عمومی شدن تجارت..... ۲۱

۲/۳/۳. کاهش قیمت تمام شده کالا؛ سومین دسته فایده عمومی شدن تجارت..... ۲۱

پیوست‌ها..... ۲۳

پیوست ۱: مطلب در مورد جلوگیری سیستمی از فساد از دوره برنامه‌ریزی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی

(در دانشگاه شریف)..... ۲۳

پیوست ۲: آمار فقر مالی و عاطفی در آمریکا، اسکاندیناوی و ۲۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا و شفيعنا فى يوم الجزاء ابى القاسم محمد ﷺ و على اهل بيته الطيبين الطاهرين سيما بقية الله فى الارضين ارواحنا لاماله الفداء و عجل الله تعالى فرجه الشريف و اللعن الدائم على اعدائه اعداء الله.

۱. مقدمه خلاصه جلسه قبل (باب دوم فقه المکاسب): روایات عام و بخشی در حوزه تولید؛ دو دسته روایات مرتبط با تولید
در جلسه گذشته با اتکای بر دو دسته از روایات استنباط کردیم که الگوی تولید اسلام، یک الگوی تولید غیر متمرکز است که در نهایت خودش، هم عدالت اقتصادی، هم حفظ محیط زیست، هم ارتقای کیفیت و هم کاهش قیمت تمام شده کالا را برای ما به ارمغان می آورد.

۱/۱. رعایت شرایط زمانی و مکانی شغل و اجیر نشدن؛ روایات عام مرتبط با تولید
دسته اول از آن دو دسته روایات، روایاتی بودند که به نحو عام، تأکید داشتند بایستی یکسری اصول در مورد همه مشاغل رعایت شود؛ مثل آن روایاتی که تأکید می کنند همه زمان در یک روز را به مسئله شغل و کسب اختصاص ندهیم بلکه زمان یک روز را برای رفع همه نیازهای زندگی مدیریت کنیم.^۱ خب این کمک می کرد که ما یک اصل برای مدیریت همه مشاغل به دست بیاوریم.

۱. وَ قَالَ [الكاظم] : اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ غُيُوبَكُمْ وَ يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّائِنِ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَ بِهِذِهِ السَّاعَةُ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثِ سَاعَاتٍ ...

دسته دوم روایاتی است که جزو روایات عام محسوب می‌شوند روایاتی هستند که تأکید دارند محل کسب و متجرب، دور از محل خانه نباشد^۲ که عرض کردیم این روایات به طراحان شهر و مدیران بخش اقتصاد کشور کمک می‌کنند که به بهانه‌های فنی مثل زیبایی شهر و آلوده‌نکردن معابر شهری توسط مشاغل، مکان‌های مشاغل را به دور از خانه‌ها هدایت نکنند.

دسته سوم روایات این بخش، مذمت مطلق اجیرشدن در حوزه کسب بود.^۳ باز این هم یک اصلی بود که کمک می‌کرد زمینه عدم تمرکز در تولید آماده شود. وقتی تصور شما در نظام ارزشی تان این بود که شغل خوب شغلی است که بر مبنای استخدام است؛ در واقع کمک می‌کنید بخش خصوصی و سرمایه‌داری در جامعه شکل بگیرد ولی وقتی ربح را در استقلال شغلی و

بکشید که وقت شما چهار ساعت باشد، یک ساعت برای مناجات با خدا، یک ساعت برای کار زندگانی و معاش، یک ساعت هم برای معاشرت با برادران و مردمان مورد اعتماد که عیوب شما را بشما می‌فهمانند و از دل بشما اخلاص دارند و یک ساعت هم خلوت کنید برای درک لذتهای حلال و به وسیله این ساعت بر انجام وظایف آن سه ساعت دیگر توانا می‌شوید.

تحف العقول، ص ۴۱۰

وقال عليه السلام: لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ يَتَنَاجَى فِيهَا رَبَّهُ، وَسَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ، وَسَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ. وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرَمَةً لِمَعَاشٍ، أَوْ خُطْوَةً فِي مَعَادٍ، أَوْ لَذَّةً فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ.

امام علی علیه السلام فرمود: انسان با ایمان ساعات شبانه‌روز خود را به سه بخش تقسیم می‌کند: قسمتی را صرف مناجات با پروردگارش می‌کند و قسمت دیگری را برای ترمیم معاش و کسب و کار زندگی قرار می‌دهد و قسمت سوم را برای بهره‌گیری از لذات حلال و دلپسند می‌گذارد و سزاوار نیست که انسان عاقل حرکتش جز در سه چیز باشد: مرمت معاش، گامی در راه معاد و لذت در غیر حرام.

نهج البلاغه، حکمت ۳۹۰

۲. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام: إِنَّ مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مُتَجَرِّدًا فِي بَلَدِهِ وَ يَكُونَ مُخْطِطًا وَ صَالِحِينَ وَ يَكُونَ لَهُ وَ لَدَّ يَسْتَعِينُ بِهِمْ.

امام زین العابدین علیه السلام: از نیک بختی مرد، این است که محل تجارتش در شهرش باشد و رفیقانش صالح باشند و فرزندی داشته باشد که از آنان یاری بگیرد.

الکافی، ج ۵، ص ۲۵۷

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَكْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي سَهْلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الْكَرِيمِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: ثَلَاثَةٌ مِنَ السَّعَادَةِ الرَّزْقُ الْمُوَاتِنَةُ وَ الْأَوْلَادُ الْبَارُونَ وَ الرَّجُلُ يُرْزَقُ مَعِيشَتَهُ بِبَلَدِهِ يَعُدُّ إِلَى أَهْلِهِ وَ يَرُوحُ.

عبد الله بن عبد الكريم گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز از سعادت و خوشبختی اند: زن موافق و فرمان‌بردار، فرزندان نیکوکار و این که کسب و کارش مرد در سرزمین خودش باشد که صبح و شام نزد خانواده‌اش رفت و آمد کند.

الکافی، ج ۵، ص ۲۵۸

۳. رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ مَنْ أَجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَيْهَا الرِّزْقَ وَ كَيْفَ لَا يَحْظُرُ عَلَيْهَا الرِّزْقُ وَ مَا أَصَابَ فَهُوَ لِرَبِّ آجِرَةٌ.

عبد الله بن محمد جعفی گوید: امام محمد باقر فرمود: هر کس خود را اجیر سازد روزی را بر خود تنگ کرده است، چگونه بر خود تنگ نکرده باشد در حالی که آنچه به چنگ می‌آورد از آن دیگری است همان که او را اجاره کرده است. [ترجمه غفاری]

من لایحضره الفقیه ج ۳ ص ۱۷۴

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيْعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ مَنْ أَجَرَ نَفْسَهُ فَقَدْ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرِّزْقَ وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى وَ كَيْفَ لَا يَحْظُرُهُ وَ مَا أَصَابَ فِيهِ فَهُوَ لِرَبِّهِ الَّذِي آجَرَهُ.

امام صادق: کسی که خود را اجیر [دیگری] کند، مانع روزی خود شده است. در روایتی دیگر آمده است: چگونه مانع روزی خود نشده، حال آن که دسترنجش از آن کار فرمایی است که او را اجیر خود کرده است!؛

الکافی، ج ۵، ص ۹۰

استقلال کسبی می‌بینید، زمینه ارزشی ذهن شما به عنوان یک مانع برای فربه شدن بخش خصوصی و الگوی تولید متمرکز عمل خواهد کرد. البته روایات اینها را در جلسه قبل خواندم و الان فقط آنها را جمع‌بندی کردم.

۱/۲. تولید نان در خانه، دامداری متناسب با فضای خانه و تازه خوری؛ برخی از روایات بخشی مرتبط با تولید

دسته دوم روایاتی که کمک می‌کرد تا ما ویژگی‌های استظهاری الگوی تولید را بفهمیم روایاتی بودند که راجع به تولید یک کسب و یک شغل خاص بحث می‌کردند مثل روایاتی که - به شکل‌های مختلف در اصول روایی ما وجود دارد و - به نگهداری دام به نحو خانگی و غیرصنعتی توصیه کرده است.^۴ وقتی امام علیه السلام یکی از راهکارهای عبور از فقر را نگهداری دام معرفی می‌کند دارد راجع به سامانه‌های تولید خانگی گوشت و لبنیات با ما صحبت می‌کند و تأکید می‌کند که ما نباید الگوی تولید این بخش را صنعتی قرار بدهیم - حالا البته کلمه صنعتی را که بکار می‌بریم داریم به اصطلاح امروزی سخن می‌گوییم - و از نتایج توجه به این روایات این است که ما در این حوزه‌ها غیرمتمرکز عمل کنیم. روایاتی که راجع به پخت نان در خانه و الگوی تولید نان صحبت می‌کنند^۵ هم واضح است که اهل بیت علیهم السلام دارند ما را به الگوی تولید غیرمتمرکز رهنمون می‌کنند.

۴. عَنْهُ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَكُونُ فِي مَنْزِلِهِ عَنَزٌ حُلُوبٌ إِلَّا قُدِّسَ أَهْلُ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ وَ بُورِكَ عَلَيْهِمْ فَإِنْ كَانَتْ اِثْنَتَيْنِ قُدِّسُوا وَ بُورِكَ عَلَيْهِمْ كُلُّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ قَالَ فَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا وَ كَيْفَ يَقْدُسُونَ قَالَ يَقِفُ عَلَيْهِمْ كُلُّ صَبَاحٍ مَلَكٌ أَوْ مَسَاءً فَيَقُولُ لَهُمْ قُدِّسْتُمْ وَ بُورِكَ عَلَيْكُمْ وَ طَبَّ إِذَا مَكُمُ قَالَ قُلْتُ لَهُ وَ مَا مَعْنَى قُدِّسْتُمْ قَالَ طَهَّرْتُمْ

محمد بن مارد روایت کرده است که از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ مؤمنی نیست که در خانه خود بز شیردهی داشته باشد مگر آنکه همه افراد آن خانه مورد تقدیس قرار می‌گیرند و برکت بر آنان فرود می‌آید؛ و چنانچه دو بز باشند، روزی دو بار مورد تقدیس و دو بار برکات خداوندی بر آنان فرود می‌آید. یکی از شیعیان پرسید: چگونه مورد تقدیس قرار می‌گیرند؟ حضرت فرمود: در هر بامدادان و شامگاهان فرشته‌ای نزد آنان آمده می‌گوید: مقدس باشید! برکت از آن شما باد! و خوشا بر شما و بر خوراکتان باد. و من از آن حضرت پرسیدم: مقدس باشید، یعنی چه؟! فرمود: یعنی پاک و پاکیزه باشید. (ترجمه مجاهدی)

المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۰

عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا اتَّخَذَ أَهْلُ الْبَيْتِ شَاةً أَتَاهُمْ اللَّهُ بِرِزْقِهَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ اِزْتَحَلَ الْفَقْرَ عَنْهُمْ مَوْحَلَةً فَإِنْ اتَّخَذُوا شَاتَيْنِ أَتَاهُمْ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ اِزْتَحَلَ عَنْهُمْ الْفَقْرَ مَوْحَلَتَيْنِ فَإِنْ اتَّخَذُوا ثَلَاثًا أَتَاهُمْ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ اِزْتَحَلَ عَنْهُمْ الْفَقْرَ رَأْسًا.

امام صادق علیه السلام: هر گاه خانواده‌ای یک گوسفند داشته باشد، خداوند روزی آن را به آنان می‌دهد و بر روزی خود آنان نیز می‌افزاید و تهی دستی از آنان یک مرحله می‌کوچد؛ و اگر دو گوسفند داشته باشند، خداوند روزی آن دو را به آنان می‌دهد و بر روزی خود آنان نیز می‌افزاید و تهی دستی، از آنان دو مرحله می‌کوچد. پس اگر سه گوسفند داشته باشند، خداوند روزی آنها را به آنان می‌دهد و تهی دستی، به کلی از آنان می‌کوچد.

الكافي، ج ۶، ص ۵۴۴

۵. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَا أَبَا الصَّبَّاحِ شِرَاءُ الدَّقِيقِ ذُلٌّ وَ شِرَاءُ الْجَنْطَةِ عِزٌّ وَ شِرَاءُ الْخُبْزِ فَقْرٌ فَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْفَقْرِ.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ای ابا صباح، خرید آرد ذلت‌آور و خرید گندم عزت‌آور است و خرید نان، فقر‌آور است؛ پناه بر خدا از فقر.

کافی ج ۵ ص ۱۶۷

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْحَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُنْدَرِ الرَّبَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا كَانَ عِنْدَكَ دَرَاهِمٌ فَاشْتَرِ بِهَا الْجَنْطَةَ فَإِنَّ الْمَحْقُ فِي الدَّقِيقِ.

محمد بن فضیل از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «هرگاه یک درهم داشتی، با آن گندم بخر؛ چرا که نابودی در آرد است.»

الكافي، ج ۵، ص ۱۶۷

روایاتی که تأکید می‌کنند ما باید تازه‌خور باشیم^۶ این روایات به استلزام دلالت دارند بر اینکه تولید متمرکز تولید مطلوبی نیست. چون همه می‌دانیم اساساً در تولید صنعتی، مسئله مواد نگهدارنده و مسئله عبور از تازه‌خوری، پایه کار است. شما نمی‌توانید به هیچ عنوان بین تولید صنعتی و تازه‌خوری جمع کنید. بنابراین اگر برای کسی، مسئله تازه‌خوری مطرح در روایات موضوعیت پیدا کرد حتماً به استلزام باید الگوی تولید خانگی و سامانه‌های تولید محلی را بپذیرد.

این روایات بخشی هم، روایات فراوانی هستند که بنده فعلاً به این سه دسته در جلسه گذشته اشاره کردم و معروض داشتم که در مجموع، از این دو دسته روایات اصولی به دست می‌آید که خلاصه آن اصول این است که اسلام مخالف تولید صنعتی است و ما لا اقل در بخش غذا می‌توانیم این اصل فقهی را بپذیریم که نمی‌توان معماری اقتصاد آینده کشور در بخش غذا به الگوی تولید صنعتی گره زد. یعنی وقتی داریم استراتژی‌های صنعتی و اقتصادی کشور را بحث و بررسی می‌کنیم این اصول به ما کمک می‌کنند بتوانیم با یک ادبیات قابل تفاهمی با دوستان بخش صنعت و اقتصاد تفاهم کنیم و نشان دهیم که مثلاً الگوی تولید صنعتی چه مضرات غیر قابل جبرانی برای روابط انسانی، زندگی تکامل یافته و سبک زندگی درست دارد.

۶. عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: شكا نبي صلى الله عليه وآله من الأنبياء إلى الله عز وجل الضعف، فقيل له: اطبخ اللحم باللبن؛ فأنهما يشدان الجسم. قال: فقلت: هي المصيرة. قال: لا، ولكن اللحم باللبن الحليب.

به نقل از عبد الله بن سنان: امام صادق علیه السلام فرمود: «پیامبری از پیامبران، از ضعف، به درگاه خداوند عز و جل شکایت برد. پس به او گفته شد: گوشت را در شیر پز؛ چرا که این دو، جسم را استحکام میدهند». گفتم: این، همان غذایی است که «مَصِيرَة» نام دارد؟ فرمود: «نه؛ بلکه گوشت همراه با شیر تازه است».

الکافی، ج ۶، ص ۳۱۶

نکته: مَصِيرَة غذایی است پختنی که از شیر مانده و ترش شده درست میشود.

مجمع البحرين، ج ۳، ص ۱۷۰۲

قال الإمام الكاظم عليه السلام: (مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءٌ ظَهْرِهِ، يَنْفَعُ لَهُ اللَّبَنُ الْحَلِيبُ بِالْعَسَلِ.)

امام کاظم علیه السلام فرمود: هر کس آب کمرش بر وی دیرگون شود، شیر تازه با عسل برایش سودمند است.

الکافی، ج ۶، ص ۳۳۷

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِذَا ضَعُفَ الْمُسْلِمُ فَلْيَأْكُلِ اللَّحْمَ بِاللَّبَنِ. وَ فِي رِوَايَةٍ عَنِ الصَّادِقِ ع أَنَّهُ اللَّبَنُ الْحَلِيبُ.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هرگاه مسلمانی ضعیف شد پس گوشت را با شیر بخورد. و در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: منظور شیر تازه دوشیده شده است.

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۸۱

فیومی لغوی معروف (۷۷۰ق) در معنای حلیب می گوید: «يُقَالُ لَبَنٌ حَلِيبٌ وَ رُطِبٌ جَنِيٌّ لِلطَّرِيِّ مِنْهُمَا دُونَ الَّذِي بَعْدَ عَنِ الطَّرَاوَةِ» وقتی گفته می‌شود: لبن (شیر) حلیب و رُطِب جَنِيّ به تازه آنها گفته می‌شود نه آن شیر یا خرمایی که از طراوت و تازگی دور شده باشد.

المصباح المنير، ج ۲، ص ۶۷۱

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى قَالَ: كَتَبَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عليه السلام يَشْكُو إِلَيْهِ دَمًا وَ صَفْرَاءً فَقَالَ إِذَا اخْتَجَمْتُ هَاجَتِ الصَّفْرَاءُ وَإِذَا أَحْرَتْ الْحِجَامَةَ أَضْرَبِي الدَّمُ فَمَا تَرَى فِي ذَلِكَ فَكَتَبَ عِ احْتِجَمَ وَ كُلَّ عَلَى أْتَرِ الْحِجَامَةَ سَمَكًا طَرِيًّا كَبَابًا قَالَ فَأَعَدْتُ عَلَيْهِ الْمَسْأَلَةَ بِعَيْنِهَا فَكَتَبَ عليه السلام احْتِجَمَ وَ كُلَّ عَلَى أْتَرِ الْحِجَامَةَ سَمَكًا طَرِيًّا كَبَابًا بِمَاءٍ وَ مَلْحٍ قَالَ فَاسْتَعْمَلْتُ ذَلِكَ فَكُنْتُ فِي عَافِيَةٍ وَ صَارَ غِذَايَ.

یکی از شیعیان به امام عسکری علیه السلام نامه نوشت و از خون و صفرا به وی اظهار ناراحتی کرد و نوشت: چون حجامت می‌کنم، صفرا به جوش می‌آید و چون حجامت را به تأخیر می‌افکنم، خون، مرا زیان می‌رساند. چاره را در چه می‌بینی؟ امام نوشت: «حجامت کن و در پی حجامت، ماهی تازه کباب شده بخور». این پرسش را دیگر بار تکرار کردم. او نوشت: «حجامت کن و در پی حجامت، ماهی تازه کباب شده همراه با آب و نمک بخور». این کار را عیناً انجام دادم و از آن پس، همواره در عافیت بودم و آن، خوراک من شده بود.

الکافی، ج ۶، ص ۳۲۴

۱/۳. اصل بودن تولید غیر متمرکز؛ نتیجه دو دسته آیات و روایات عام و بخشی در ویژگی‌های الگوی تولید

خب تا حالا جمع‌بندی بحث‌های گذشته بود همانطوری که اول عرایض اشاره کردم لافل سه دسته خاصیت در الگوی تولید غیر متمرکز وجود دارد. بر روی این سه دسته خاصیت از باب بیان مبتنی بر ظرفیت تأکید می‌کنم که قابلیت تفاهم داشته باشد وگرنه فوایدش بیش از اینهاست؛

۱/۳/۱. تحقق عدالت؛ اولین خاصیت تولید غیر متمرکز

دسته اول این است که وقتی الگوی تولید را غیر متمرکز می‌کنید، عدالت از تولید شروع می‌شود به خلاف آن موقعی که وقتی الگوی تولید را صنعتی و متمرکز جلو می‌برید مجبور می‌شوید مسئله عدالت را در بخش بازتوزیع درآمدها^۷ با ابزارهایی مثل مالیات - که در تحقق عدالت علیل هستند - تأمین کنید^۸. لذا چون دنیای غرب، الگوی تولید صنعتی را پذیرفته است، به دنبال آن، فاصله طبقاتی را هم پذیرفته است. اگر ما حتی نخواهیم در اینکه «آیا مفاهیمی که در اقتصاد سرمایه‌داری مطرح شده عدالت را زیر پا می‌گذارد یا نه» وارد بحث نظری شده و اشکال کنیم، نقد آن از پایگاه کارآمدی کاملاً واضح است. بشر در هیچ دوره‌ای، این اندازه با این حجم از فاصله طبقاتی روبرو نبوده است.^۹ در برخی از تحلیل‌هایی که در دنیای مدرن مطرح است این است که عمده ثروت دنیا در دست چند گروه تولیدی و صنعتی خاص است. یعنی به معنای واقعی کلمه، طبقه قارون‌ها و فرعون‌ها در عصر ما شکل گرفته و سایر مردم، برده آنها محسوب می‌شوند البته با اسامی جدید؛ چون دیگر نمی‌گویند برده‌داری بلکه مثلاً می‌گویند طبقه کارگر. یا اسامی ای بکار می‌برند که در لفظ آن، توهین کمتری است ولی واقعیت مسئله این است که سرمایه‌دارها تکلیف همه چیز در جوامع امروز را معلوم می‌کنند. بنابراین شما یا باید نتایج این الگوی تولید صنعتی به محوریت سرمایه‌دارها را بپذیرید یا باید در الگوی تولید جامعه تصرف کنید و یک الگوی تولید غیر متمرکز را پیشنهاد

۷. اقتصاد رفاه (WELFARE ECONOMICS): شرایط لازم برای کارایی اقتصادی در تولید کالاها و در مبادله کالاها و برای عدالت در توزیع درآمد را مورد بررسی قرار می‌دهد.

اقتصاد خرد (سالواتوره)، ص ۲۲۱

۸. در حقیقت وضع قوانین مالیاتی از راهکارهای ضروری برای رسیدن به عدالت اجتماعی به شمار می‌آید.

آدرس مطلب در سایت سازمان امور مالیاتی: yon.ir/malia

۹. به گزارش ایسنا به نقل از راشا تودی، شمار افراد فقیر در جهان در حالی در مقایسه با سال قبل ۱۱ درصد افزایش یافته است که ارزش دارایی ثروتمندترین افراد جهان در سال ۲۰۱۸ به میزان ۹۰۰ میلیارد دلار افزایش یافته است و بین سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ با گذشت هر دو روز، یک میلیارد به جمع میلیاردرهای جهان افزوده شده است. در مقایسه با سال ۲۰۱۷ که ۴۳ نفر ثروتی معادل نیمی از جمعیت جهان را در اختیار داشتند، امسال تنها ۲۶ نفر این میزان ثروت را در اختیار دارند. این موسسه در گزارش خود اعلام کرده است که تنها راه موثر در راستای کاهش شکاف طبقاتی فعلی، افزایش نرخ مالیات بر درآمد ثروتمندان است. به گفته آکسفام، با تنها ۰/۵ درصد افزایش مالیات بر درآمد یک درصد جمعیت ثروتمند جهان، نیازهای آموزشی ۲۶۲ میلیون کودک و یا هزینه‌های درمانی نجات جان ۳/۳ میلیون انسان تأمین خواهد شد.

آدرس مطلب در خبرگزاری ایسنا کد خبر ۹۷۱۱۰۲۰۰۷۵۹ / yon.ir/pSkAG

The world's richest ۱percent, those with more than \$۱million, own ۴۵percent of the world's wealth. Adults with less than \$۱۰,۰۰۰ in wealth make up ۶۴percent of the world's population but hold less than ۲percent of global wealth.

۱ درصد ثروتمندان جهان، با بیش از ۱ میلیون دلار سرمایه، ۴۵ درصد از ثروت جهان را در بر می‌گیرند. [افراد دارای] کمتر از ۱۰ هزار دلار سرمایه، ۶۴ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، اما کم‌تر از ۲ درصد از ثروت جهانی را در اختیار دارند.

آدرس مطلب در پایگاه yon.ir/gJlhk InEquality

۲ درصد پولدارترین‌های جهان حدود نیمی از ثروت دنیا را دارند.

آدرس مطلب از دانشگاه سازمان ملل: yon.ir/vMvXr

کنید تا گردش اعتبارات از همان تولید، عادلانه توزیع بشود؛ نه اینکه اول در جیب سرمایه‌دارها تجمیع بشود و در مرحله بعد شما بخواهید از باب ابزارهای مالیاتی، آنها را وادار کنید که به جامعه کمک کنند.

۱/۳/۲. حفظ محیط زیست؛ دومین خاصیت تولید غیرمتمرکز

یکی از فوائد دیگرش حفظ محیط زیست است. اگر ما الگوی تولید صنعتی را بپذیریم مجبوریم بسته‌بندی صنعتی را هم بپذیریم و بسته‌بندی صنعتی یک بسته بندی یکبار مصرف بوده و عامل اصلی تخریب محیط زیست به شمار می‌آید.^{۱۰} بنابراین اگر شما الگوی تولید غیرمتمرکز و سامانه‌های تولید خانگی و محله‌ای را احیا کنید یعنی زیست بوم اقتصاد کشور را لااقل در بخش تغذیه به این سمت هدایت کنید با پدیده بسته بندی‌های غیریکبار مصرف و بادوام‌تر می‌توانید مدیریت کنید. پس مسئله محیط زیست هم نجات پیدا می‌کند. فریب کمپین‌های دفاع از محیط زیست را هم نخورید! ما هرچقدر هم کمپین تشکیل بدهیم و تظاهرات راه بیانداریم و سخنرانی کنیم و مردم را در فضای مجازی به حفظ محیط‌زیست دعوت کنیم مادامی که کارخانه‌ها به بهانه یک بطری آب معدنی، زباله تولید می‌کنند ده‌ها برابر آن تشویق‌هایی که می‌کنید، در عمل، تخریب محیط زیست رقم خواهد خورد. مثلاً با طرح‌هایی مانند تفکیک زباله از مبدأ و این طرح‌هایی که امروزه مطرح است^{۱۱} خیلی نمی‌شود مسئله محیط زیست را مدیریت کرد.

۱/۳/۳. کاهش قیمت تمام شده؛ سومین خاصیت تولید غیرمتمرکز

در بحث قیمت تمام‌شده کالا هم الگوی تولید غیرمتمرکز چهار دسته هزینه را از قیمت تمام‌شده کسر می‌کند. قیمت اولی که کسر می‌شود قیمت تبلیغات است. یعنی تبلیغات الگوی تولید صنعتی از طریق رسانه‌ها است و باید یک فرایندی را برای برندسازی طی کند. اینها همه هزینه ایجاد می‌کند و این هزینه در قیمت تمام‌شده کالا اعمال می‌شود در حالی که تبلیغ کالاهای خانگی و سامانه‌های تولید محلی از طریق روابط انسانی اتفاق می‌افتد چون اساساً حوزه بازارش حوزه محدودی است. هزینه‌های تکنولوژی، هزینه‌های حمل و نقل و هزینه‌های مدیریت، هم سه هزینه دیگری هستند که از قیمت کالای تولیدشده در الگوی تولید غیرمتمرکز کسر می‌شود. الگوی تولید صنعتی بدون تکنولوژی نمی‌شود بدون مدیریت‌های پیچیده

۱۰. تقریباً ۴۲ درصد از تمامی پلاستیک‌های غیر فیبری برای بسته بندی استفاده می‌شود که عمدتاً از PE, PP و PET تشکیل شده اند.

Approximately 42% of all nonfiber plastics have been used for packaging, which is predominantly composed of PE, PP, and PET.

آدرس مطلب در پایگاه رسمی «AAAS» انجمن پیشبرد علمی آمریکا و صاحب امتیاز ژورنال ساینس: yon.ir/Plastics

۱۱. مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران با بیان اینکه طرح تفکیک زباله از مبدأ و کاهش پسماند نیازمند زیرساخت، فرهنگسازی و مشارکت مردم است گفت: شهرداری موظف به اجرای طرح تفکیک زباله از مبدأ است. کلاتری ادامه داد: پسماند یک کالای اقتصادی است و درصد زیادی از آن قابلیت بازیافت دارد که باید به چرخه بازیافت برگردد. وی با بیان اینکه شهرداری موظف به اجرای طرح تفکیک زباله از مبدأ است تصریح کرد: باید با تفکیک زباله از مبدأ و کاهش پسماند کمترین میزان پسماند را به سایت‌های دفن زباله انتقال دهیم و این نیازمند زیرساخت، فرهنگسازی و مشارکت مردم است. مدیرکل حفاظت محیط زیست استان تهران در پایان با اشاره به اینکه خوشبختانه فرهنگ زیست محیطی و مسئولیت‌پذیری مردم در قبال محیط زیست نسبت به گذشته بسیار بهتر شده است خاطر نشان کرد: در هر جایی که زیست باشد پسماند هم وجود دارد و بنابراین تنها راهکار آن مدیریت درست بر پسماند است.

آدرس خبر در خبرگزاری تسنیم: yon.ir/tazghj

نمی‌شود و بدون حمل و نقل‌های ملی و بین‌المللی هم نمی‌شود. صاحبان الگوهای تولید صنعتی، این چهار هزینه را به قیمت تمام‌شده کالا اضافه می‌کنند. لذا اگر شما الگوی تولید را الگوهای غیرمتمرکز بپذیرید کالا ارزان‌تر هم خواهد شد. این، خلاصه‌ای از جلسه گذشته بود و روایات آن را هم در جلسه گذشته محضران ارائه دادم.

۲. ویژگی‌های الگوی تجارت و بازار از منظر روایات و آیات؛ باب سوم فقه‌المکاسب

و اما بحث امروز ما که به لحاظی بحث بسیار مهم است و شاید مهم‌تر از بحث‌هایی است که تا بحال مطرح کردیم این است که می‌خواهیم به نحو استظهاری و فقهی، مسئله الگوی توزیع و -به تعبیر ساده‌تر- ویژگی‌های بازار در اسلام را محضران مباحثه کنیم. بازار در اسلام چه ویژگی‌هایی دارد؟ بخش تجارت در اسلام چه ویژگی‌هایی دارد؟ این هم سرفصل سوم فقه‌المکاسب است و حوزه بسیار مهمی هم هست. به اندازه‌ای که زمان هست بخشی از آن را محضر دوستان مطرح می‌کنم. بنده روایات و آیات مورد استظهار در بخش بازار را به دو دسته روایات تقسیم کردم، آن هم به دأب تقسیم اجمالی‌ای که در این دوره مقدماتی فقه‌المکاسب داریم.

دسته اول روایات و آیات که ما می‌توانیم از آن، اصول تجارت و قواعد حاکم بر بازار را استنباط کنیم روایات و آیاتی هستند که به امر تجارت تشویق می‌کنند. این تشویقی که برای تجارت اتفاق می‌افتد کمک می‌کند که ما یک اصولی را برای طراحی بازارهای آینده‌مان به دست بیاوریم. من به بخشی از این آیات و روایات اشاره می‌کنم.

۲/۱. بهبود کیفیت، دریافت سود اقتصادی، رشد عقل و تأثیر تجارت بر همه‌چیز؛ چهار دسته روایت مبنی بر تشویق به تجارت

به چهار دسته از آیات و روایات می‌پردازم تا برخی از اصول حاکم بر طراحی بازار و تجارت در ذهن و قلب دوستان تصویر پیدا کند.

۲/۱/۱. بهبود کیفیت عبادت؛ دسته اول فوائد تجارت در اسلام

آیه اولی که موضوع بحث است، آیه معروفی است: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^{۱۲} خب ما این آیه را زیاد می‌خوانیم و بحث می‌کنیم منتها مهم، تفسیری است که امام علیه السلام از این آیه شریفه دارند. به نظرم این نوع تشویق‌هایی که در این آیه یا سایر آیات و روایات آمده باعث می‌شود تجارت به یک امر همگانی تبدیل شود. روایتی را از «مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه»^{۱۳} محضر دوستان مطرح می‌کنم: «رَوْحُ بِنِ عَبْدِ الرَّحِيمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام» نقل می‌کند که «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ قَالَ كَانُوا أَصْحَابَ تِجَارَةٍ»^{۱۴} می‌فرماید این آیه در مورد اصحاب تجارت نازل شده، پس یعنی

۱۲ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِفَامِ الصَّلَاةِ وَ إِنَاءِ الرِّكَاتِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ / نور، ۳۷

مردانی که تجارت و داد و ستد آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد، [و] پیوسته از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود، می‌ترسند. [ترجمه انصاریان]

۱۳. یکی از کتب اربعه شیعی و از معتبرترین کتب روایی نوشته شیخ صدوق.

۱۴. [فقد رویته عن جعفر بن علي بن الحسن بن علي بن عبد الله بن المغيرة الكوفي عن جده الحسن بن علي الكوفي الحسن بن علي بن فضال عن غالب بن عثمان] رَوَى عَنْ رَوْحِ بْنِ عَبْدِ الرَّحِيمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ قَالَ كَانُوا أَصْحَابَ تِجَارَةٍ فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ تَرَكُوا التِّجَارَةَ وَ انْطَلَقُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَ هُمْ أَكْثَرُ أَجْرًا مِمَّنْ لَمْ يَتَّجِرْ.

جمعیتی وجود دارند که اهل تجارت هستند و در زمینه تجارت فعالیت دارند، بعد می‌فرماید «فَإِذَا حَضَرَتِ الصَّلَاةُ تَرَكُوا التِّجَارَةَ وَ انْطَلَقُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَ هُمْ أَكْبَرُ أَجْرًا مِمَّنْ لَمْ يَتَّجِرْ» روایت می‌فرماید این آیه در مورد کسانی است که تجارت را به عنوان یک موضوع شریف پذیرفتند حالا وقتی تعارض پیدا می‌شود بین زمان تجارت و زمان صلاة، خدای متعال این دسته را تحسین می‌کند که اینها در مسئله تعارض بین صلاة و تجارت، صلاة را در آن زمان مقدم می‌شمارند. البته ذیل این آیه، روایات دیگری هم وجود دارد که به سایر سطوح معنایی این آیه دلالت دارد. ولی توجه کنید که تصویر این آیه این است که دارد در موضوع تعارض زمانی نماز با تجارت، می‌گوید نماز را مقدم می‌شمارند. پیداست دارد از وضعیت مطلوب جامعه توصیف می‌کند که در آن وضعیت مطلوب، یک جمعیتی هستند که حتی نمازشان به دلیل عدم توجه به تجارت کم اجرت می‌شود؛ می‌فرماید «وَ هُمْ أَكْبَرُ أَجْرًا مِمَّنْ لَمْ يَتَّجِرْ» یک جمعیتی هستند که تجارت نمی‌کنند و به نماز می‌آیند و یک جماعتی هم هستند که تجارت می‌کنند و به نماز هم می‌آیند، در این روایت شریف می‌فرماید: اجر این دسته اول که اهل تجارت هستند، حتی در مسئله نماز بالاتر است. این بر مسئله شرافت تجارت دلالت می‌کند و می‌توان از بحث به این شکل استفاده کرد.

۱/۳/۲. دریافت سود اقتصادی؛ دسته دوم فوائد تجارت در اسلام

روایت معروفی هست که همه شما شنیدید که از امیرالمؤمنین علیه السلام به یک شکل نقل شده و از امام صادق علیه السلام هم به شکلی دیگر با تغییر مختصری نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «تَعَرَّضُوا لِلتِّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا غِنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ»^{۱۵} اینجا دیگر اصحاب تجارت مطرح نیست بلکه تجارت‌های غیر دائمی مطرح است و این به خاطر استظهار از قید «تَعَرَّضُوا» حضرت می‌فرماید «متعرض تجارت شوید» و نفرمود «تاجر شوید» پس یعنی در حاشیه اوقات و برنامه‌های زندگی‌تان، برنامه‌های تجارت را هم داشته باشید. این روایت ما را به این دعوت می‌کند که تجارت را به عنوان یک امر همگانی بپذیریم، حضرت استدلال می‌فرماید: بالاخره شما در مشکلات زندگی نیاز به اموالی خواهید داشت و اگر فقط و فقط تجارت را هم بپذیرید، یک حالت غنایی برای شما از اموالی که در اختیار مردم هست، به وجود می‌آید و دستتان باز می‌شود و می‌توانید زندگی‌تان را مدیریت کنید. تطبیق این روایات بر شرایط طلبگی و سبک زندگی مؤمنانه، یک تطبیق لازمی در عصر حاضر و دیگر اعصار است. پس این روایت هم خیلی کمک می‌کند که اصل حاکم بر تجارت و بازار را استفاده کنیم.

روح بن عبد الرحیم از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه که خداوند می‌فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ (نور: ۳۶)». مردانی که کار و تجارت آنها را از یاد خدا غافل نمی‌سازد) فرمود: «اینها تاجر بودند و هنگام نماز تجارت را رها کرده آهنگ نماز می‌کردند و بسوی آن گام برمی‌داشتند و البته اینان ثوابشان از کسانی که بکار مشغول نیستند و به نماز حاضر می‌شوند بیشتر است» [ترجمه غفاری]

من لا يحضره الفقيه ج ۳ ص ۱۹۲

۱۵. احمد بن محمد، عن القاسم بن يحيى، عن جده الحسن بن راشد، عن محمد بن مسلم عن أبي عبد الله علیه السلام قال: قال أمير المؤمنين علیه السلام: تَعَرَّضُوا لِلتِّجَارَةِ؛ فَإِنَّ فِيهَا غِنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.

امام علی علیه السلام: به تجارت روی آورید؛ که در آن، بی‌نیازی‌تان از آنچه مردم دارند، نهفته شده است.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۹

۱/۳/۳. رشد عقل؛ دسته سوم فوائد تجارت در اسلام

برخی روایاتی که شنیدید، تجارت را ابزار توسعه عقل معرفی می‌کند. می‌فرماید: اگر شما تجارت را نپذیرید، از حیث توسعه عقل در ذهن و وجودتان مشکل به وجود می‌آید؛ مثلاً از امام صادق علیه السلام روایت هست: «تَرَكُ التَّجَارَةِ يَنْقُصُ الْعَقْلَ»^{۱۶} یا «تَرَكُ التَّجَارَةَ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ»^{۱۷} در این دسته از روایات اساساً دیگر مسئله «سود» و «ربح اقتصادی» را موضوع قرار نداده و امام علیه السلام مسئله توسعه عقل را پایه تفاهم قرار داده است. وقتی پای عقل به میان می‌آید و این مسئله مبنا قرار می‌گیرد که به سمت توسعه تجارت برویم، باز از این پایگاه که همه مردم به توسعه عقل نیاز دارند، تجارت به نحو عمومی توصیه می‌شود؛ یعنی کسی ممکن است فقیر هم نباشد ولی از باب اینکه تجارت جزئی از «الگوی تفصیل»^{۱۸} است، [به او توصیه می‌شود]. قبلاً عرض کردیم الگوی تفصیل عبارت است از مجموعه‌ای از شرایط که به رشد عقل و قوای آن منجر می‌شود. اگر تجارت را از باب الگوی تفصیل ببینیم، به ما کمک می‌کند که بگوییم تجارت مخصوص عده‌ای خاص نیست بلکه تجارت امری همگانی است، چون نیاز به رشد عقل، یک امر همگانی است؛ پس این هم یک دسته از روایات هستند که اساساً پایه را از مسئله اقتصاد خارج می‌کنند و پایه را امور دیگری قرار می‌دهند. باز از این روایات هم می‌فهمیم که تجارت در اسلام، امری همگانی است و باید سعی کنیم که همه قدرت تجارت پیدا کنند و در امر تجارت وارد شوند. این هم دسته سوم روایات هستند.

فرق بین دسته دوم و دسته سوم که ما به آنها استظهار می‌کنیم، تفاوت در «پایه سؤال» روایات است؛ یعنی آن مفهومی که روایت بر روی آن تکیه کرده و تجارت را توصیه کرده [تفاوت پیدا کرده است]. امام علیه السلام در دسته دوم روایات بر روی «سود اقتصادی به اصطلاح امروزی‌ها» می‌ایستند و تجارت را توصیه می‌کنند ولی در دسته سوم روایات بر روی امری غیر از سود اقتصادی می‌ایستند؛ مثال آنم مدعا این است که امام علیه السلام بر روی «توسعه عقل» می‌ایستند و تجارت را تجویز می‌کنند. این‌ها متفاوت هستند و شما می‌توانید این‌ها را به عنوان پایگاه تفکیک روایات قرار دهید.

۱۶. علي بن ابراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد بن عثمان، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: تَرَكُ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعَقْلَ.

امام صادق علیه السلام: رها کردن تجارت، عقل را می‌کاهد.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۸

۱۷. قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: تَرَكُ التَّجَارَةَ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ.

امام صادق علیه السلام فرمود: ترك تجارت و داد و ستد با مردم عقل را می‌برد. [ترجمه غفاری]

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۲

۱۸. ما طبق آیات و روایات، ظرف تولد درک و شعور را قلب انسان‌ها می‌دانیم. آیه قرآن به این صورت می‌فرماید: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم (وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ)؛ می‌گوید فردی که به خدا ایمان بیاورد قلب او هدایت می‌شود. تعبیر آیه شریف این است که قلب او هدایت پیدا می‌کند. آیه نفرمود ذهن او هدایت پیدا می‌کند. ظرف پیدایش درک و فهم، قلب انسان‌هاست نه ذهن انسان‌ها. لذا فردی که می‌خواهد جلوی پیدایش درک و تفکرات غلط را بگیرد، باید قواعدی را ارائه دهد که «تَعْصِمُ مُرَاعَاتِهَا الْقَلْبَ»، نه «تَعْصِمُ مُرَاعَاتِهَا الدَّهْنَ»... اگر بگوییم که محل تولد درک و فهم، ذهن نیست، بلکه قلب است؛ آیا می‌توانید با قواعد منطقی صوری جلوی خطای در تفکر را بگیرید؟... الگوی تفصیل با این تعریفی که بنده عرض کردم، قواعد و چارچوب‌هایی است که جلوی تولد درک غلط را در قلب می‌گیرد.

پیاده فوری نشست چهارم الگوی ساخت، ص ۱۸-۱۹

۲/۳/۴. تاثیر تجارت بر تمام امور؛ دسته چهارم فوائد تجارت در اسلام

دسته چهارم و شاید مهم‌ترین روایات حوزه تجارت این است که در این دسته، همه امور بشر به مسئله تجارت گره می‌خورد. خود این هم چندین روایت دارد که باید این‌ها را بحث کنیم. در جلسات قبل برخی را خدمت دوستان خواندم؛ برای نمونه حضرت فرمودند: «الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ»^{۱۹} در این روایت «عبادت» را به صورت مطلق که شامل همه امور می‌شود، ده جزء معرفی می‌کنند و همه امور را به دلیل اطلاق روایت، به تجارت مربوط می‌کند. روایت دیگری از این نوع وجود دارد: حضرت می‌فرمایند: «تِسْعَةُ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ»^{۲۰} می‌فرمایند: نه دسته از ده دسته رزق در تجارت است. ما قبلاً در مباحثات ادبی و اصولی مختار خودمان بحث کردیم که کلمه رزق در آیات و روایات، اگر در روایت یا آیه‌ای به نحو مطلق بیاید، شامل همه مصادیق رزق است ولی اگر رزق در کنار بقیه امور مطرح شود، مثلاً کلمه رزق را در کنار کلمه «عمر» مطرح کنند، پیدا می‌شود که مراد از «رزق»، «رزق خاص» بود که ما تحت عنوان معیشت روزانه در ادبیات محاوره‌ای از آن یاد می‌کنیم. با ابتدای بر این بحث ادبی و اصولی، روایت به مطلق معنا می‌شود. حال سؤالی در اینجا مطرح می‌شود: آیا می‌توان در این روایت، درایه کرد؟ چه طور می‌توان تصور کرد که همه امور و انواع رزق [تحت تأثیر تجارت است؟] قبلاً روایاتش را خواندیم، خصوصاً در نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری^{۲۱} هم بحث کردیم و گفتیم رزق شامل همه چیز است^{۲۲}: شامل علم، عمر، همسر خوب، خانه خوب، رفیق خوب، شهادت و ... می‌شود. حال سؤالی به وجود می‌آید: چه طور تجارت باعث می‌شود همه این انواع اقسام رزق، «در تجارت» توسعه پیدا کند؟ یعنی حتی اگر علم هم می‌خواهد، آن را در تجارت دنبال کند. آیا می‌توان در این‌ها دقت کرد؟ اجازه دهید به طور مختصر در فهم این روایت بحث کنم: از دو حیث می‌توان در این روایت درایه کرد، یک حیث این است که توسعه تجارت بر توسعه تولید، اثر مستقیم دارد و اگر مسئله تولید به نحو عام - که شامل تولید کالا و خدمات در اصطلاح روایات می‌شود - رونق پیدا کند، همه چیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. وقتی شما تجارت را امری همگانی می‌کنید و در نظام ارزشی خودتان از تجارت به عنوان یک امر مطلوب صحبت می‌کنید - چه این مسئله را در دوره تربیت [جا بیافتد] یا به عنوان وعظ در همه ادوار زندگی درباره آن مطالبی بشنوید، باعث می‌شود تقاضا در جامعه ارتقا

۱۹. وَ قَالَ [رسول الله] ﷺ: الْعِبَادَةُ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تِسْعَةٌ أَجْزَاءُ فِي طَلَبِ الْحَلَالِ.

رسول خدا ﷺ فرمود: عبادت ده بخش است که نه بخش آن طلب روزی حلال می‌باشد.

جامع الأخبار (للسعیری)، ص ۱۳۹ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۹

۲۰. علي بن إبراهيم، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن محمد الزعفراني، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: مَنْ طَلَبَ التِّجَارَةَ اسْتَغْنَى عَنِ النَّاسِ، قُلْتُ: وَإِنْ كَانَ مُعِيلاً؟ قَالَ: وَإِنْ كَانَ مُعِيلاً؛ إِنَّ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ.

الكافي از محمد زعفرانی از امام صادق عليه السلام: «هر کس در پی تجارت رود، از مردم بی‌نیاز می‌شود». گفتیم: «هر چند پُر خانوار باشد؟» فرمود: «[آری؛] هر چند پُر خانوار باشد. همانا نه درهم روزی در تجارت است.»

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸

۲۱. در این نظریه به سه موضوع پرداخته می‌شود: ۱- تعریف حیات مبتنی بر آیات و روایات ۲- تعریف پیشگیری مبتنی بر آیات و روایات ۳- تعریف نسخه مبتنی بر آیات و روایات. برای مشاهده پیشخوان مرتبط با این نظریه ر.ک پیشخوان پیشگیری ساختاری از بیماری (۱۸/۳/۱).

۲۲. فی حدیثٍ مَنْسُوبٍ إِلَى الصَّادِقِ عليه السلام: أَنَّ الْعَبْدَ لَا يُصِيبُ إِلَّا مَا رَزَقَ وَ قُسِمَ لَهُ.

در حدیث منسوب به امام صادق عليه السلام است که فرمود: «هر بنده‌ای نمی‌رسد مگر به آنچه روزی و قسمت و نصیب او باشد.» [ترجمه مصطفوی]

مصباح الشریعة، ص ۱۷۸

پیدا کند. دقت کنید. وقتی طرف تقاضا تحریک می‌شود، به صورت طبیعی زمینه تحریک طرف عرضه و طرف تولید هم تکامل پیدا می‌کند و زیاد می‌شود. چون مردم می‌خواهند تجارت کنند، باید بروند کالایی را تهیه کنند. وقتی تقاضای تجارت بالا می‌آید، از آن طرف به لازمه آن، تقاضای تولید ارتقا پیدا می‌کند و چون تقاضا همگانی است، زمینه را آماده می‌کند که همه وارد کار تولید شوند، بر خلاف زمانی که تنها جمع خاصی تجارت می‌کنند و چون تنها جمع خاصی تجارت می‌کنند، حجم کالایی که موضوع تجارت است، زیاد می‌شود و چون همه نمی‌توانند این کالا را تولید کنند، به لازمه آن، تولید صنعتی هم اتفاق می‌افتد ولی این بر خلاف موردی است که تجارت امری همگانی است و موضوع تجارت هم این است که شخص می‌خواهد -بنابر روایت- افتتاح رزق کند -این دو را مقایسه کنید- روایتی [مذکور] از امام ابوالحسن الکاظم علیه السلام نقل شده «قَالَ: كُلُّ مَا افْتَتَحَ الرَّجُلُ بِهِ رِزْقَهُ فَهُوَ تِجَارَةٌ»^{۲۳} شخص می‌خواهد مشکل معیشتش را حل کند و اصلاً موضوع این است، لذا سراغ هر امر حلالی می‌رود که این مسئله برایش حل شود، به تعبیر روایت: «كُلُّ مَا افْتَتَحَ الرَّجُلُ بِهِ رِزْقَهُ» موضوع مطالبه قرار می‌گیرد؛ لذا تولید هم در این امور به شکل خرد تحقق پیدا می‌کند؛ اما اگر تنها صاحبان مگامال‌ها^{۲۴} و هایپرمارکت‌های^{۲۵} بزرگ توزیع کنند، چون حجم کالایی که این‌ها تولید می‌کنند زیاد است -به دلیل حجم بالایی که توزیع در این فروشگاه‌ها اقتضا دارد- دیگر همه مردم نخواهند توانست این حجم را تولید کنند و حتماً باید تولید صنعتی بشود. این یک حیث مسئله است. روایت می‌فرماید: [با تجارت] همه چیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ [دلیل آن] از پایگاه این است که [تجارت همگانی] طرف تولید را تحریک می‌کند؛ بنابراین همه مردم به نحو خرد مشغول مسئله تولید می‌شوند و جامعه به سمت تولید ثروت حرکت می‌کند. البته این تولید ثروتی نیست که با GDP محاسبه می‌شود. می‌دانید که معادله GDP یک نقص آشکار دارد. شاخص GDP ارزش افزوده و تولید ناخالص ملی را با یک عدد معرفی می‌کند ولی نمی‌گوید این ارزش افزوده و تولید ناخالص ملی در اختیار چند درصد از مردم است! GDP کشورها معمولاً در دست ۱۰٪ مردم است^{۲۶} ولی علم اقتصاد معیوبی فعلی، این شاخص را به عنوان افتخاری برای کل کشور معرفی می‌کند،^{۲۷} در حالی که بهره‌برداری از آن مربوط به طبقه اغنیا و مُتَرَف جامعه است،

۲۳. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: كُلُّ مَا افْتَتَحَ الرَّجُلُ بِهِ رِزْقَهُ فَهُوَ تِجَارَةٌ.

امام کاظم علیه السلام فرمودند: هر کاری که انسان با آن روزی‌اش را به دست آورد، تجارت است.

الکافی، ج ۵، ص ۳۰۵

۲۴. مگامال‌ها به مراکز بزرگی گفته می‌شود که علاوه بر مرکز تجاری بودن، از رستوران، فضای بازی و غیره نیز برخوردارند.

۲۵. فروشگاه‌هایی با وسعت بسیار زیاد که تقریباً تمام موارد مورد نیاز زندگی اعم از لوازم خانگی، مواد غذایی، البسه و پوشاک و ... را در خود جای داده‌اند.

۲۶. با توجه به آمارهای رسمی کشور، سهم ده درصد ثروتمندترین به ده درصد فقیرترین جمعیت در سال ۱۳۹۴ در کل کشور، ۶۵.۱۲ بوده است؛ به عبارتی یعنی هر مقداری که ده درصد فقیر جامعه درآمد دارند، ده درصد ثروتمند جامعه حدود ۱۲/۶۵ برابر آنها درآمد دارند؛ در این صورت GDP جامعه هر مقدار هم که باشد، این فاصله طبقاتی نشان می‌دهد حجم بسیار اندکی از GDP نصیب مردمان دهک‌های پایین می‌شود.

سایت مرکز آمار ایران - گزارش ضریب جینی سال‌های ۹۴-۱۳۸۹: yon.ir/zuK3e

۲۷. اگر بخواهید در مورد اقتصاد بک شخص قضاوت کنید، احتمالاً قبل از هر چیز به درآمد او توجه خواهید کرد... همین استدلال برای کل اقتصاد یک کشور نیز قابل ارائه است. وقتی درباره اقتصاد یک کشور قضاوت می‌کنید که این کشور ثروتمند یا فقیر است، نگاه شما به درآمد کل

نه همه طبقات جامعه. پس این یک حیث مسئله است. چه طور می شود که بنابر روایت «تِسْعَةَ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ» همه چیز تحت تأثیر از تجارت است؟ می گویند چون از تحریک طرف تقاضا، طرف تولید هم تحریک می شود، لذا همه مردم وارد وادی سعی و تلاش در مسئله تولید می شوند؛ چون همه مشتری دارند و مورد تقاضا هستند و این خیلی کمک می کند که زندگی همه تحت تأثیر قرار بگیرد. یک حیث دیگری هم برای روایت قابل بحث است و شاید این حیث مهم تر هم باشد. من سختم می آید که بگویم این روایات را سکولارها هم می فهمند! آن هم از این حیث است که توسعه تجارت، زیرساخت توسعه تقدیر است؛ یعنی چه؟ یعنی تجارت را در اسلام به قید قواعدی است که اگر آن قواعد رعایت شود، خدای متعال تقدیر را تغییر می دهد. فرض بفرمایید در روایت به این دعوت شده که صداقت در مسئله تجارت، اصل باشد.^{۲۸} شما می دانید اگر مسئله صداقت در کسی پررنگ شد - خصوصاً در تجارت که منفعت ظاهری شخص در کذب است - چون مسئله صداقت جزو مناسک تقدیر است، فردی که صداقت دارد با فردی که صداقت ندارد، دو نوع رزق و ربح برایش تقدیر می شود. همانطور که عرض کردیم در مسئله تجارت، اصل قضیه در این است که «سود ارتباطی» را در نظر بگیریم؛ مثلاً یکی از مصادیق سود ارتباطی، مسئله احتکار است. اگر کسی آمد و از احتکار عبور کرد، یعنی وقتی کالایی در بازار مسلمین با کمبود مواجه می شود، این به جای اینکه کالا را نگه دارد تا قیمت کالا گران شود و بعد بفروشد، کالا را زودتر عرضه می کند تا شرایط سخت بازار مدیریت شود. وقتی یک نفری چنین ایثاری به نفع جامعه اسلامی می کند، وزن تقدیرش در شب قدر تغییر پیدا می کند؛ لذا از این حیث هم می توان در روایت دقت کنیم، روایت فرمود: «تِسْعَةَ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ» این از باب تغییر

است که تک تک افراد جامعه به دست می آورند. این درآمد را به کمک تولید ناخالص داخلی (GDP) محاسبه می کنید. GDP دو چیز را محاسبه می کند: درآمد کل افراد در اقتصاد و هزینه های کل تولید کالاها و خدمات در اقتصاد.

نظریه اقتصاد کلان (منکیو)، ص ۹ و ۱۰

۲۸. عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، وأحمد بن محمد، وعلي بن إبراهيم، عن أبيه جميعاً، عن ابن محبوب، عن عمرو بن أبي المقدام، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام قال: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِالْكَوْفَةِ عِنْدَكُمْ يَغْتَدِي كُلَّ يَوْمٍ بَكْرَةً مِنَ الْقَصْرِ، فَيَطُوفُ فِي أَسْوَاقِ الْكَوْفَةِ سَوْقًا وَسَوْقًا وَمَعَهُ الدَّرَّةُ عَلَى عَاتِقِهِ، وَكَانَ لَهَا طَرَفَانِ، وَكَانَتْ تُسَمَّى: السَّبِيْبَةَ، فَيَقِفُ عَلَى أَهْلِ كُلِّ سَوْقٍ، فَيُنَادِي: يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ، اتَّقُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ. فَإِذَا سَمِعُوا صَوْتَهُ عليه السلام أَلْقَوْا مَا بِيَدَيْهِمْ، وَأَرَعُوا إِلَيْهِ بِقُلُوبِهِمْ، وَسَمِعُوا بِأَذَانِهِمْ. فَيَقُولُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدَّمُوا الْإِسْتِخَارَةَ، وَتَبَرَّكُوا بِالسُّهُولَةِ، وَاقْتَرَبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ، وَتَرْتَبُوا بِالْحِلْمِ، وَتَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ، وَجَانِبُوا الْكُذْبِ، وَتَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ، وَأَنْصِفُوا الْمَظْلُومِينَ، وَلَا تَقْرَبُوا الرِّبَا، وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ، وَلَا تَبَخَّسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ، وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. فَيَطُوفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي جَمِيعِ أَسْوَاقِ الْكَوْفَةِ، ثُمَّ يَرْجِعُ فَيَقْعُدُ لِلنَّاسِ.

امام باقر عليه السلام: امیر مؤمنان عليه السلام، در کوفه میان شما بود. صبحگاهان، از دارالحکومه بیرون می رفت و در بازارهای کوفه، یکی یکی می گشت و تازیانه ای با او بود که آن را بر دوش داشت و دوسویه بود و «سبیه» نامیده می شد. در برابر اهالی بازارها می ایستاد و فریاد می کرد: «ای بازرگانان! از خداوند عز و جل پروا کنید!». آن گاه که بازاریان، صدای او را می شنیدند، آنچه در دست داشتند، رها می کردند و به وی دل می دادند و با گوش می شنیدند. آن گاه می فرمود: «خبرخواهی پیشه سازید. از آسانگیری تبرک جوید. به خریداران، نزدیک شوید. خود را به بردباری بیارید. از سوگند، پرهیزید و از دروغ، کناره بگیرید. از ستم، دوری گزینید و داد ستمدیدگان، بستانید. به رباخواری نزدیک نشوید و وزن و ترازو را تمام کنید. اموال مردم را کم ندهید و در زمین، به فساد سر بر مدارید». در تمام بازارهای کوفه می گشت. سپس برمی گشت و برای [رسیدگی به کارهای] مردم می نشست.

الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰ و ۱۵۱

تقدیر است؛ یعنی علم این شخص هم تغییر پیدا می‌کند. خدای متعال می‌تواند از طریق یک همسایه خوب، رفیق خوب چنان سودی را به آن فرد برساند که اگر فرضاً صدها میلیارد تومان هم از پایگاه سود اقتصادی به دست می‌آورد، در زندگی‌اش به آن اندازه‌ای که تغییر تقدیر برایش نفع ایجاد می‌کند، آن سود اقتصادی ایجاد نمی‌کند.

بنا بر دابی که ما همیشه تذکر می‌دهیم، باز تکرار می‌کنم: سعی کنید در روایات درایه کنید و درایه هم با دو روش اتفاق می‌افتد: ۱- قاعده استلزام و تطبیق فروعی که به آن در زندگی مبتلا هستیم، به اصولی که اهل بیت علیهم‌السلام گفتند.^{۲۹} این یک قاعده است و حجیت هم دارد. ۲- قاعده جمع بین ادله و استظهارات. این هم به درایه کمک می‌کند. برای نمونه من سعی کردم در قسمت اول از قاعده استلزام استفاده کنم؛ عرض کردم: لازمه عمومی شدن تجارت، تحریک طرف تقاضاست. این استلزام عقلی آن حکم است و لازمه تحریک طرف تقاضا هم منجر به همگانی شدن تولید می‌شود؛ اما در قسمت دوم از یک قاعده اصولی دیگری استفاده کردم و بین روایات تقدیر - که تقدیر را به مناسک تقدیر وابسته می‌کند - و روایات حوزه تجارت جمع کردم. تقریباً در تمامی آیات و روایات حوزه تجارت، مناسک تقدیر به روایات تجارت ضمیمه شدند؛ مثل مسئله صداقت، مسئله عدم احتکار و رعایت مصالح عمومی جامعه اسلامی، اضافه شده است. قاعده اصولی را باید در نظر داشته باشید که از ذوق عبور کنید، بعضی می‌خواهند درایه کنند، به روشنفکری مبتلا می‌شوند. راه اینکه بین درایه کردن در روایت و نسبت دادن ذوقی چیزی به روایت، فرق بگذاریم، این است که بر فرآیند درایه، قاعده اصولی حاکم باشد.

خواستیم این مطلب را از باب پیوست فقه‌البیان یا همان پیوست اصولی عرض کنم تا واضح شود چرا «تِسْعَةَ أَعْشَارِ الرَّزْقِ فِي التَّجَارَةِ» است؛ گفتیم [حکمت آن] از دو باب است که اولی از باب استلزام است و دومی از باب تعادل و تراجیحی^{۳۰} است که در فقه‌البیان مطرح کردیم و با تعادل و تراجیح موجود، متفاوت است. این یک دسته از آیات و روایات است.

پس ما یک سری آیات و روایات داریم که در مجموع به مسئله تجارت تشویق می‌کند و این تشویق در این روایاتی که خواندم، از چهار پایگاه اتفاق افتاد: ۱- مشغول شدن به تجارت، ارزش عبادت را ارتقا می‌دهد. ۲- فقر را از بین می‌برد و انسان را به سمت «ریح» هدایت می‌کند. ۳- همه امور به تجارت وابسته است (دو روایت را در این حوزه نقل کردم) ۴- توسعه عقل و

۲۹. مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُلْفِيَ إِلَيْكُمْ الْأُصُولَ وَ عَلَيْنَا أَنْ نُفَرِّعُوا وَ نُقَلَّ مِنْ كِتَابِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الرَّضَا ع قَالَ: عَلَيْنَا إِيْقَاءُ الْأُصُولِ وَ عَلَيْنَا التَّفْرِيعُ.

از امام صادق و امام رضا علیهما السلام نقل شده است: بر ما اهل بیت وظیفه است که اصول [کلی دینی] را بر شما عرضه داریم و بر شماست که بر اساس آن اصول کلی، فروع را استخراج کنید.

وسائل الشیعة ج ۲۷ ص ۶۱ و ۶۲

۳۰. التعادل: تكافؤ الدليلين المتعارضين في كل شيء يقتضي ترجيح أحدهما على الآخر.

تعادل، برابری دو دلیل متعارض در هر مرجحی است.

معجم المصطلحات الأصولية، ص ۵۴

الترجیح: و یعنی تقدیم أحد الدليلين المتعارضين على الآخر.

ترجیح به معنای مقدم داشتن یکی از دو دلیل متعارض بر دیگری است.

همان ص ۵۱

رشد فکری جامعه را وابسته به تجارت می‌کند. این چهار دسته روایت با این چهار پایگاه متفاوت کمک می‌کند که ما تجارت را در نظام ارزشی از یک امر خاص لوکس متعلق به بخش سرمایه‌دار مَترَف به یک امر عمومی تبدیل کنیم. آینده کشور ایران این است که همه مردم و در رأس آنها طلبه‌ها اهل تجارت هستند منتهی تجارت‌هایی که به غرض‌های چهارگانه‌ای که در روایات بحث شده هستند و نه تجارت‌هایی که در الگوهای بازار فعلی بحث می‌شود. مثلاً کسی که می‌خواهد وارد حوزه تجارت شود ابتدا به دنبال این است که یک برند را بسازد و از یک مدل خاصی جلو می‌رود. یا تجارت‌هایی که الآن توصیه می‌شود تجارت‌هایی با الگوی استارت‌آپ است.^{۳۱} این تجارت [که ما عرض می‌کنیم] در زیست بوم خانوادگی است و پایه اصلی آن فضای مجازی نیست بلکه پایه اصلی آن روابط انسانی است. یک تجارت متفاوتی است که ان‌شاء الله بعداً می‌توانیم آن را بحث کنیم. خب این یک دسته از روایات.

۲/۲. ایجاد بازارهای موقت، آموزش قواعد فقهی کسب و برخورد قضایی با تخلفات در خود بازار؛ زیرساخت‌های ثلاثه برای ترویج تجارت به صورت همگانی

اصول حاکم بر بازار را از دسته دومی از روایات نیز استنباط می‌کنیم. من بخشی از این روایات و آیات را می‌خوانم؛ ما یک سری روایات مرتبط با طراحی زیرساخت‌های ثلاثه برای عمومیت یافتن تجارت داریم. آن طرف داستان در دسته اول روایات امام علیه السلام به چهار دسته دلیل توصیه کردند که شما وارد وادی تجارت شوید. حالا سؤال ایجاد می‌شود که اگر ما این نظام ارزشی را تغییر دادیم و در این روایات درایه کردیم همه اقدامات لازم برای عمومیت یافتن تجارت را انجام داده‌ایم؟ پاسخ ما در فقه‌المکاسب این است که حاکمیت نیز باید یک سری زیرساخت‌ها را برای توسعه تجارت به نحو عمومی آماده کند که در روایات ما لا اقل سه دسته زیرساخت را برای عمومیت یافتن تجارت حضرات معصومین علیهم السلام بحث کرده‌اند.

۲/۲/۱. ایجاد بازارهای موقت توسط حکومت؛ زیرساخت اول برای تسهیل تجارت همه سطوح جامعه

زیر ساخت اول آن این است که امام علیه السلام فرموده: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بُيُوتِ السُّوقِ كِرَاءً»^{۳۲} ببینید در اینجا می‌فرماید که امیرالمؤمنین علیه السلام زیرساخت کالبدی را برای توسعه تجارت آماده می‌کردند. به چه شکل؟ ساختمان و محیطی را هم حکم با مسجد طراحی می‌کردند. تعبیر روایت تعبیر بسیار بلندی است؛ می‌فرماید: «سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ» به لحاظ اهمیت در حوزه مدیریتی حضرت یک ساختمانی را شبیه به مسجد طراحی می‌کردند که شباهت آن به مسجد از دو حیث بحث شده

۳۱. در گزارش ارائه شده توسط معاونت طرح و برنامه وزارت صنعت، معدن و تجارت در خصوص «استارت‌آپ» آمده است:

شرکت‌های بزرگ غالباً شرکت‌های استارت‌آپ را به لحاظ عناصر اصلی فناوری خریداری و سپس با ادغام آن‌ها در کسب و کار، مزیت رقابتی خود را حفظ و یا ارتقا می‌دهند. استارت‌آپ / استارت‌آپ رویکرد و مفهومی است که در کمتر از یک دهه توانسته است در دنیای کارآفرینی انقلاب بزرگی ایجاد کند. استارت‌آپ‌ها می‌توانند بر اساس یک ایده درآمدزا، سیستم و یا سازمانی را متولد و به آستانه رشد و سرمایه‌گذاری برسانند.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت صمت: yon.ir/starup

۳۲. أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سُوقُ الْمُسْلِمِينَ كَمَسْجِدِهِمْ فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ وَ كَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى بُيُوتِ السُّوقِ كِرَاءً.

امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: بازار مسلمین در حکم مسجد است: هرکسی زودتر به دکه‌های بازار درآید و بساط خود را پهن کند، تا شب به سکنای آن دکه اولویت دارد. امیر المؤمنین از دکه‌های بازار کوفه کرایه دریافت نمی‌کرد.

است. حیث اول آن این است که «فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ إِلَى اللَّيْلِ» چطور در مسجد اگر کسی یک محلی را اختیار کند سایر مؤمنین باید تصرف او را تا زمانی که او آن مکان را ترک می‌کند محترم بشمارند، حضرت می‌فرماید بازار مسلمین نیز همین گونه است. تصرف دائمی برای دکه‌ها وجود ندارد بلکه مثل مسجد است و دارای دکه‌های موقت است. پس این روایت در مورد بازارهای موقت است. حاکمیت موظف است بازارهای موقت را طراحی کند.

در جلسه گذشته عرض کردم که حیث ترمینولوژی بازارهای موقت این نیست که ما بگوییم مثلاً محل بازار دوشنبه بازار و سه شنبه بازار تغییر پیدا می‌کند. مثلاً دوشنبه بازار در یک منطقه برگزار می‌شود و سه شنبه بازار در یک محل دیگری. نه! محل بازار ثابت است بلکه استفاده مؤمنین از آن بازار موقت و به نحو روزانه است. روایت این را می‌فرماید. از یک طرف امام علیه السلام به توسعه تجارت دعوت کرد و از طرفی نیز برای آن زیرساخت، طراحی می‌کند. اولین زیرساخت، طراحی بازارهای موقت است که ما بخش نمونه‌سازی این بازارها را پیگیری می‌کنیم تا سوق‌المکاسب بازارهای هر شهر را راه اندازی کنیم.

تعریف بازارهای مکاسب با مگامال‌ها و هایپرمارکت‌ها و مجتمع‌های تجاری و بازارهای سنتی بسیار متفاوت است. ضمن اینکه آنها را نفی نمی‌کنیم در مقام حاکمیت به آنها اولیت نمی‌دهیم و در مقام حاکمیت به این سمت می‌رویم که بازارهای موقت را اصل قرار دهیم.

قید دوم به اینکه عمومی بودن تجارت توسعه پیدا کند خیلی کمک می‌کند. حضرت می‌فرماید: «وَكَانَ لَا يَأْخُذُ عَلَى يَبُوتِ السُّوقِ كِرَاءً» می‌فرماید امیرالمؤمنین علیه السلام - که «اعقل الناس» بودند - از مسئله دکه‌ها و بیوت بازار کرایه دریافت نمی‌کردند؛ یعنی لازم نبود شما برای تجارت در آن بازار حقوق تجاری پرداخت کنید. وقتی این کار را انجام می‌دهند، یعنی یک محل تجارت مجانی را در اختیار مؤمنین قرار می‌دهند. توجه کنید که در حال تولید زیرساخت برای تجارت هستند. ما تا الآن به این روایات توجه نکرده‌ایم، البته به نحو اخباری و اجمالی روایات دسته اول را سر منبر گفته‌ایم ولی روایات دسته دوم را که عرض کردم زیرساختهای ثلاث حوزه تجارت هستند، موضوع توجه ما نبوده است.

۲/۲/۲. آموزش احکام تجارت؛ زیرساخت دوم ترویج تجارت

دسته دوم روایاتی که به مسئله زیرساخت‌گذاری برای تجارت مربوط می‌شوند، روایاتی هستند که بخش آموزش احکام تجارت را بحث می‌کنند. در صدر این روایات آن روایت معروف امیرالمؤمنین علیه السلام است که می‌فرمود: «يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُنْتَجِرِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُنْتَجِرِ الْفُقَهَاءِ وَ اللَّهُ لَلرَّبِّا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحْفَى مِنْ دَيْبِ التَّمْلِ عَلَى الصَّفَا»^{۳۳} حضرت مسئله ربا را پایه قرار

۳۳. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَسْأَلُ عَلَى الْمُنْبَرِ: يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُنْتَجِرِ الْفُقَهَاءِ ثُمَّ الْمُنْتَجِرِ الْفُقَهَاءِ وَ اللَّهُ لَلرَّبِّا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحْفَى مِنْ دَيْبِ التَّمْلِ عَلَى الصَّفَا شُؤْبُوا أَبْمَانِكُمْ بِالصَّدَقِ التَّاجِرِ فَاجِرٍ وَ الْفَاجِرِ فِي النَّارِ إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أَعْطَى الْحَقَّ.

اصبغ بن نباته گوید: از امیر مؤمنان علی علیه السلام شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود: ای تاجران! نخست فقه سپس تجارت، نخست فقه سپس تجارت، به خدا سوگند! یقین داشته باشید که ربا در این امت از راه رفتن مورچه بر روی سنگ صیقلی و براق پنهان‌تر و نامرئی‌تر است؛ سوگندهایتان را با راستگویی بیامیزید و قسم دروغ یاد نکنید. تاجر، فاجر است و فاجر در آتش است، مگر آن تاجری که حق را بگیرد و حق را بپردازد.

می‌دادند و دعوت به آموزش می‌کردند. می‌فرمودند که اگر فقه نخوانید به صورت مخفی و به نحوی که خودتان مطلع نشوید مبتلا به ربا می‌شوید. لذا مسئله آموزش یکی از زیرساخت‌های عمومی کردن تجارت است و نمی‌توانید فقط دعوت کنید.

الآن جای کتاب تجارت در آموزش‌های ابتدایی ما خالی است، البته بر فرض اینکه بگویم آموزش و پرورش باید بر عهده سیستم آموزشی باشد که ما معتقدیم آموزش و پرورش آینده به محوریت خانواده‌های متکفل تربیت است - ولو اینکه در آن جا مناقشه نکنیم چرا که اینجا محل مناقشه آن نیست - بر این فرض شما می‌گویید در این سیستم آموزشی فعلی کتاب تجارت وجود ندارد. البته بعضی توصیه می‌کنند که کتاب تجارت و کتاب اقتصاد را آموزش دهیم^{۳۴} ولی مراد آن‌ها تئوری‌های نئوکینزی^{۳۵} و مکاتب اقتصادی موجود است. مصداقاً قائل نیستند که باید کتاب مکاسب و متاجر را باید تدریس کرد. این عیب بسیار بزرگی است. ما در حوزه علمیه قم دعوت می‌کنیم که آموزش اقتصاد عمومی شود ولی به محوریت فقه‌المکاسب و نه به محوریت کتاب منکیو^{۳۶} که الآن بعضی از دانشگاه‌هایی که دوستان مؤمن ما در آنجا بحث می‌کنند، وقتی می‌خواهند اقتصاد بگویند، کتاب منکیو را معرفی می‌کنند که معایب آن را در جلسه گذشته گفته‌ایم. یکی از معایب آن این است که کسی که منکیو و کتاب‌های این پروفیسور ضال پوزیتیویستی را می‌خواند، هیچ‌وقت قدرت طبقه‌بندی مشاغل را به نحوی که در روایات ما مطرح شده است، پیدا نمی‌کند و نمی‌تواند تشخیص دهد که چه شغلی سود ارتباطی بیشتری نسبت به شغل دیگر دارد. اصلاً مبنای طبقه‌بندی آنها این است که مشاغل را از حیث ارزش افزوده ارزیابی می‌کنند. این‌ها نکته‌های بسیار مهمی است.

یا در بخش آموزش ما الگوی آموزش کاسبانی در دوره صفویه داشتیم که یک مدل اولیه کارآمدی در دوره‌های گذشته بوده و باید به آن توجه شود. پس زیرساخت آموزش نیز یکی از زیرساخت‌هایی است که برای عمومی شدن تجارت لازم است.

۲/۲/۳. برخورد با تخلفات بازار در خود بازار؛ زیرساخت سوم ترویج تجارت

زیرساخت سومی که بدون آن مشکل است که ما تجارت را عمومی کنیم، روایاتی است که دعوت می‌کند که برخورد با تخلفات حوزه تجارت در محل بازار اتفاق بیفتد؛ یعنی زیرساخت قضایی مسئله نیز خیلی کمک می‌کند. ببینید چون همه در حال تجارت هستند و تجارت یک امر عمومی است، شما نمی‌توانید اصطلاحاً شعبه‌های اختلافات را به خارج از بازار منتقل کنید. این کار از دو حیث غلط است؛ یکی اینکه چون انسان‌ها موقت در آنجا رفت و آمد دارند، وقتی بررسی اختلافات

۳۴. به گزارش گروه دانشگاه خبرگزاری دانشجو، عادل پیغامی عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق و رئیس مرکز تحقیقات میان رشته‌ای علوم انسانی و اسلامی این دانشگاه در نشست تحت عنوان تربیت اقتصادی در دانشکده روانشناسی دانشگاه تهران، در تاریخ ۹ آذر ۱۳۹۷ اظهار داشت: «اگر علم اقتصاد را به کودکانمان آموزش بدهیم در بیش از ۹۵ درصد مشکلی ندارد و تفاوتی با اقتصاد اسلامی ندارد».

آدرس مطلب از خبرگزاری دانشجو: yon.ir/IWpEI

۳۵. New Keynesian economics: The school of thought according to which economic fluctuations can be explained only by admitting a role for some microeconomic imperfection, such as sticky wages or prices.

اقتصاد نئوکینزی: مکتب فکری اقتصادی است که براساس آن، نوسانات اقتصادی فقط با پذیرش نقش برای برخی از عیوب اقتصاد خرد مانند دستمزدها یا قیمت‌های چسبنده قابل توضیح است.

کتاب اقتصاد کلان (منکیو)، ویرایش هفتم، ص ۵۸۱

نویسنده: گریگوری منکیو

۳۶. گریگوری منکیو (متولد ۱۹۵۸م تا کنون) وی یکی از مشهورترین اقتصاددان‌های حال حاضر است که کتاب‌های «مبانی اقتصاد»، «نظریه اقتصاد کلان»، «نظریه اقتصاد خرد» و «کلیات علم اقتصاد» او از کتب مشهور در اقتصاد و مورد تدریس در دانشگاه‌های دنیاست.

قضایی در محل بازار نباشد دسترسی به متهم سخت می‌شود و حیث دیگر تأثیر گذاری است. وقتی شما فی‌المجلس قضاوت کرده و حکم را صادر می‌کنید تأثیر بیشتری در بهینه روابط انسانی نسبت به وقتی که شعبه قضاوت در خارج از محله بازار است دارد. لذا روایات ما تأکید می‌کنند که رسیدگی به اختلافات حوزه مکاسب در خود محل بازار باشد. به اصطلاح امروزی‌ها قوه قضائیه ما باید شعبه‌ای در خود محل کسب و بازار مسلمانان راه اندازی کند. مثلاً این روایتی که در دعائم الاسلام است - التبه در اصول روایی نیز با این مضمون روایاتی پیدا می‌کنید - دعائم الاسلام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است که «أَنَّه كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَ بِيَدِهِ دِرَّةٌ يَضْرِبُ بِهَا مَنْ وَجَدَ مِنْ مُطَفِّفٍ أَوْ غَاشٍّ فِي تِجَارَةِ الْمُسْلِمِينَ»^{۳۷} تعبیر روایت خیلی دقیق است. می‌فرماید: «أَنَّه كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ» این جزو برنامه روزانه امیرالمؤمنین علیه السلام بود که در بازارهای موقت خود حضور پیدا کند. وقتی حضرت حضور پیدا می‌کرد، حضورشان با آداب خاصی بود. روایت می‌فرماید: «بِيَدِهِ دِرَّةٌ» در دست حضرت شلاقی بود؛ یعنی روی دوش مبارکشان شلاقی بود و از ابزار تعزیری شلاق برای دو دسته از کسانی که ضررهای فراوانی به تجارت مسلمانان می‌زند استفاده می‌کرد. یکی برای «مطففین» و یکی برای کسانی که «غش» در تجارت می‌کردند. حداقل الآن ما در سال ۱۳۹۸ اهمیت این احکام را می‌فهمیم. چون مجازات‌ها، مجازات‌های مبتنی بر «عرض»^{۳۸} انسان‌ها نیست اختلاص‌ها زیاد شده است.

من این را داخل پراکنش عرض کنم ولی اصل مطلب آن را در فقه‌القضاء بعداً بحث می‌کنم که پایگاه مجازات در اسلام سه امر است؛ یعنی وقتی می‌خواهید کسی را مجازات کنید و به روایات مربوط به این باب مراجعه می‌کنید، به سه پایگاه مفهومی می‌رسید؛ برخی از مجازات‌ها بر مبنای «تقیص مال» است، برخی دیگر بر مبنای «تقیص عرض» است و برخی دیگر نیز بر مبنای «سلب حیات» است. حوزه این مجازات‌ها با یکدیگر متفاوت است؛ یعنی اصطلاحاً امام علیه السلام وقتی می‌خواهند مجازات را در حوزه خاصی تعریف کنند، پایگاه مجازات را یک امر مؤثر در آن حوزه خاص قرار داده‌اند. حالا وقتی وارد بازار می‌شوند

۳۷. وَ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام: أَنَّهُ كَانَ يَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ وَ بِيَدِهِ دِرَّةٌ يَضْرِبُ بِهَا مَنْ وَجَدَ مِنْ مُطَفِّفٍ أَوْ غَاشٍّ فِي تِجَارَةِ الْمُسْلِمِينَ قَالَ الْأَصْبَغُ قُلْتُ لَهُ يَوْمًا أَنَا أَكْفِيكَ هَذَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِجْلِسْ فِي بَيْتِكَ قَالَ مَا نَصَحْتَنِي يَا أَصْبَغُ وَ كَانَ يَرْكَبُ بَعْلَةً رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليهم الشَّهْبَاءُ وَ يَطُوفُ فِي الْأَسْوَاقِ سُوقاً سُوقاً فَآتَى يَوْمًا طَاقَ اللَّحْمَيْنِ فَقَالَ يَا مَعْشَرَ الْقَضَائِينَ لَا تَعْجَلُوا الْأَنْفُسَ قَبْلَ أَنْ تَرْهَقَ وَ إِيَّاكُمْ وَ النَّفْخَ فِي اللَّحْمِ ثُمَّ أَتَى إِلَى التَّمَارِينَ فَقَالَ أَظْهَرُوا مِنْ رَدِيءٍ بَيْعِكُمْ مَا تُظْهِرُونَ مِنْ جَيِّدِهِ ثُمَّ أَتَى السَّمَاكِينَ فَقَالَ لَا تَبِيعُوا إِلَّا طَيِّباً وَ إِيَّاكُمْ وَ مَا طَفَا ثُمَّ أَتَى الْكُنَاسَةَ وَ فِيهَا مِنْ أَنْوَاعِ التَّجَارَةِ مِنْ نَخَّاسٍ وَ قَمَاطٍ وَ بَائِعِ إِبِلٍ - وَ صَيْرْفِيٍّ وَ بَرَّازٍ وَ حَبَاطِ فَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتٍ يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ إِنَّ أَسْوَاقَكُمْ هَذِهِ تَحْضُرُهَا الْأَيْمَانُ فَشُوبُوا أَيْمَانَكُمْ بِالصِّدْقَةِ وَ كُفُّوا عَنِ الْحَلْفِ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يُقَدِّسُ مَنْ حَلَفَ بِاسْمِهِ كَاذِبًا.

علی علیه السلام تازیانه به دست در بازارها گردش می‌کرد و کم‌فروشان و خیانتکاران در معامله با مسلمانان را با آن می‌زد. اصبع بن نباته می‌گوید: یک روز به امام علیه السلام گفتم: ای امیر مؤمنان! من این کار را به جای شما انجام می‌دهم. تو در خانه بنشین! امام علیه السلام فرمود: تو برای من خیرخواهی نکردی؛ ای اصبع! امیر مؤمنان علیه السلام بر شهباء - قاطر پیامبر اکرم صلوات الله عليهم - سوار می‌شد و در تک‌تک بازارها گردش می‌کرد. یک روز به بازار گوشت‌فروشان رفت و فرمود: ای گروه قصابان! در گرفتن جان حیوانات پیش از آن‌که خود آن‌ها جان دهند، شتاب نکنید و بیرهزید از دمیدن در گوشت! سپس به بازار خرمافروشان رفت و فرمود: جنس نامرغوب را آشکار کنید، آن‌گونه که جنس مرغوب را آشکار می‌کنید. آن‌گاه به بازار ماهی‌فروشان رفت و فرمود: جز ماهی پاک و حلال را نفرشید و از آنچه در آب می‌میرد و بر روی آب می‌آید، بیرهزید! سپس به کناسه رفت. در آنجا انواع تجارت از برده‌فروشی، گهواره‌سازی، شترفروشی، صرافی، پارچه‌فروشی و دوزندگی وجود داشت. امام علیه السلام با صدای بلند ندا داد: ای گروه تاجران! در این بازارهای‌تان سوگند یاد می‌شود، پس سوگندهای‌تان را با صدقه در هم آمیزید و از سوگند دست بردارید، زیرا خداوند کسی را که به نامش سوگند دروغ یاد کند، پاک نمی‌گرداند.»

از شلاق استفاده می‌کنند. می‌دانید که شلاق، اصل در عرض است و تحقیر آبرویی دارد و می‌دانید که مهم‌ترین چیزی که در کسب نیاز است، مسئلهٔ آبروست. چون کاسب از احترام خود سوء استفاده کرده و «غش» در معامله کرده است، امام علیه السلام با مجازاتشان همان احترام را به چالش می‌کشند. لذا چه اتفاق می‌افتد؟ عملاً زمینهٔ تجارت به صورت یک فرایند طبیعی از فرد سلب می‌شود؛ نه فقط در آن لحظه بلکه در هر بازار دیگری که برود نیز به همین صورت است. این خیلی مسئلهٔ مهمی است. به این دقت کنید که ما مثل حقوق غربی و قواعد دادگستری غربی ورود پیدا نمی‌کنیم. یکی از سؤالاتی که همیشه در بین اهالی حقوق مطرح است این است که تشریح تناسب مجازات با جرم در اسلام چیست؟ یکی از بحث‌هایی که کمک می‌کند شما تشریح مجازات و تناسب آن با جرم را متوجه شوید این است که حوزهٔ جرم بر پایهٔ هر اصلی بنا شده باشد مجازات بر پایهٔ تخریب همان اصل طراحی می‌شود که تفصیلاً در فقه القضاء و فقه العبرة - بِفَضْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - مطرح خواهیم کرد.

با این توضیح خواستم عرض کنم که چرا در دست حضرت شلاق بود. حضرت اعتماد به کاسبی را که از اعتماد مؤمنین سوء استفاده می‌کند تخریب می‌کردند و الآن نیز راه حل برخورد با فساد در کشور ما همین مسئله است. شنیدم که جناب حجت الاسلام آقای روحانی فرموده بودند که با بگیر و ببند مسئلهٔ فساد در کشور حل نمی‌شود.^{۳۹} شما می‌دانید که اینها در تئوری‌هایشان می‌گویند که ما باید فساد را از طریق سیستم حل کنیم.^{۴۰} توجه ندارند که در مبنای فقه اسلامی حل فساد به تنظیم روابط انسانی است و نه به بهینه کردن سیستم‌ها. حیث تنظیم روابط انسانی نیز در آن معلوم است؛ اگر شما با فرد مفسد از پایگاه «عرض» برخورد کنید زمینهٔ فساد او را در جامعه کنترل کرده‌اید. قوهٔ قضائیه در فرایند مبارزه با فساد اگر به سمت این برود که «عرض» مفسد را در مواردی که برای آن نص صریح داریم به چالش بکشد کار درستی انجام داده است ولی در تعجب هستیم که چرا نمی‌تواند در این مفاهیم غنی درایه کند؛ یعنی سیستم اطلاع رسانی قوهٔ قضائیه نمی‌تواند دقیقاً توضیح دهد که چرا مجازات مفسد راه حل است و اتفاقاً برخورد سیستمی با فساد سبب قانونی شدن فساد به نحوی که ما در دورهٔ برنامه‌ریزی گفته‌ایم، می‌شود.^{۴۱} فساد زمانی مدیریت می‌شود که شما بتوانید روابط انسانی را بهینه کنید و نه این که به نحو

۳۹. روحانی اظهار داشت: ما امروز یکی از وظایف بزرگ مان مبارزه با فساد و رانت در این کشور است. فساد و رانت اما با بگیر و ببند و دادگاه از بین نمی‌رود بلکه دستگاه قضائی آخرین مرحله است. وی افزود: آغاز مبارزه با فساد ابتدا بر دوش ماست و ما به عنوان دولت باید جلوی فساد را بگیریم یعنی مدیران ما باید جلوی فساد را بگیرند و این کار از طریق شفافیت، سلامت اداره و توسعه دولت الکترونیک شدنی است.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع‌رسانی خبرگزاری فارس: yon.ir/rohahi

۴۰. سخنان رئیس جمهور در همایش ملی ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد نشان‌دهندهٔ نگاه سیستمی ایشان به حل مسئلهٔ فساد در کشور است؛ ما باید شرایط رقابت را در همه امور فراهم بکنیم و بالاتر از آن شفافیت و دادن اطلاعات. بزرگترین فساد از رانت اطلاعاتی شروع و آغاز می‌شود. هر چه ما بتوانیم باید رابطه مردم را برای حل مسایل روزمره و مهم‌شان از رودر رو شدن با کارمند کاهش دهیم. با نصیحت درست نمی‌شود که ما بگوییم رشوه نگیرید. البته باید نصیحت کرد و اگر هم فهمیدیم او را مجازات کنیم. ممکن است بعضی از جاها دستگاه ناظر و مجری ما مطلع نشود، راه آن این است که رابطه مردم را به جای اینکه کسی کاری دارد با ۲۰ نفر ناچار مواجه شود، کاری کنیم با یک نفر مواجه شود.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری: yon.ir/b4\DO

۴۱. برای مشاهدهٔ مطلب در مورد جلوگیری سیستمی از فساد ر.ک پیوست شماره ۱.

سیستمی ارتباط ارباب رجوع با کارفرما را قطع کنید و بگویید که ما این ارتباط را قطع کرده‌ایم و لذا دیگر فساد اتفاق نمی‌افتد. این بیان در فوائد دولت الکترونیک نیز گفته می‌شود.^{۴۲}

این یک بحثی است که خواستم به آن توجه دهم تا آقایان نگویند که این مجازات برای ۱۴۰۰ سال پیش است. دیده‌اید که از این حرف‌ها زده می‌شود. دهان‌ها باز شده و از آنجایی که دقت نمی‌کنند و اهل درایه کردن در روایت نیستند و از اسلام فقط نماز خواندن را می‌دانند، دهان‌هایشان باز می‌شود و حرفی می‌زنند! وقتی در این روایات درایه می‌کنیم، می‌بینیم روایت نمی‌گوید که حضرت شلاق می‌زدند - خواهش می‌کنم روایت را با درایه نگاه کنید - حضرت می‌فرمایند: «بِیَدِهِ دِرَّةٌ» در دستشان می‌گرفتند که همه ببینند؛ یعنی می‌خواستند پیشگیری ایجاد کنند. وقتی مدام حضرت را شلاق به دست می‌دیدند از ترس آبرو تخلفات کم می‌شد. البته چهار نفر نیز شلاق می‌خوردند ولی این مهم است که حضرت خیلی جدیت به خرج می‌دادند که حتماً با فرد «مطْفُف» و «غاش» برخورد کنند. این نحوهٔ ورود حضرت به بازار نیز حیث پیشگیری دارد.

این نیز دقت دوم در روایت است. وقتی ما این‌ها را بدون دقت می‌خوانیم می‌گوییم که حضرت چقدر خشن بوده‌اند و ممکن است اینگونه به ذهن بیاید ولی وقتی در این کلام دقت می‌کنیم می‌بینیم که حضرت در حال پیشگیری از امری هستند که اگر از آن پیشگیری نکنیم معیشت همهٔ مردم به چالش کشیده می‌شود. کما اینکه ما در سال ۱۳۹۸ به همین بلیه مبتلا هستیم و این به دلیل این است که فقه‌المکاسب نمی‌خوانیم بلکه تئوری‌های کینز^{۴۳} را بحث می‌کنیم و مطالب آنها را می‌خوانیم.

در مجموع روایات دستهٔ دوم زیرساخت‌های ثلاثی را برای عمومیت یافتن مسئلهٔ تجارت به ما معرفی کردند؛ زیرساخت اول، ساخت بازارهای موقت بود و زیرساخت کالبدی محسوب می‌شد، منتها کالبدی با قید روابط انسانی. بنده این مسئله را در اینجا مطرح کنم - البته وقتی بحث ساخت مسکن و مقررات ملی ساختمان^{۴۴} را بحث کنیم در آنجا به شکل تفصیلی بیان خواهیم کرد - که در اسلام اصل در کالبد مسئله روابط انسانی است، به خلاف مقررات ملی ساختمان که اصل در کالبد را موضوعات فنی قرار داده است - البته ما در موضوعات فنی هم با مقررات ملی ساختمان اختلاف داریم اما اختلاف اصلی ما به این موضوعات بر نمی‌گردد بلکه اختلاف اصلی ما به این بر می‌گردد که ساختمان ابزار تنظیم روابط انسانی است - لذا

۴۲. آقای روحانی در همایش ملی ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد: ... اگر کاری می‌شود بدون حضور انجام شود، یعنی با ایجاد دولت الکترونیک، ما باید دولت الکترونیک را توسعه بدهیم تا مردم نیاز به مراجعه نداشته باشند و تمام مکاتبات اداری و مکاتبات مردم با ادارات از طریق سیستم الکترونیک قابل نظارت باشد که قابل نظارت است. آن وقت فساد کاهش پیدا می‌کند.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری: yon.ir/b41DO

طبق گزارش تهیه شده در معاونت طرح و برنامه وزارت صمت، وجود ساختارهای شفافیت‌زا از عوامل رفع فساد شمرده شده است؛ نبود فرآیندهای مکانیزه و شفاف که فعالیت‌های اقتصادی افراد و نوع روابط مالی آن‌ها را با یکدیگر نشان دهد و همچنین وجود ارتباط مستقیم و مراجعه حضوری متقاضیان خدمت به ارائه‌دهندگان آن، از عوامل عمده گسترش فساد مالی در یک جامعه است.

گزارش شاخص ادراک فساد، تهیه شده در معاونت طرح و برنامه، دفتر آمار و فرآوری داده‌ها، وزارت صنعت، معدن و تجارت، از منبع: www.transparency.org

۴۳. جان مینارد کینز (۱۸۸۳-۱۹۶۶م)، اقتصاددان انگلیسی قرن بیستم است. از کتاب‌های او می‌توان به «نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول» که تاثیر بسیاری بر اقتصاددانان پس از او گذاشت اشاره کرد.

۴۴. دفتر امور مقررات ملی ساختمان یکی از دفاتر وزارت راه و شهرسازی است که در اجرای قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان و آیین‌نامه اجرایی آن دارای وظایف اصلی به شرح زیر می‌باشد: ترویج مقررات ملی ساختمان، نظارت عالی بر مقررات ملی ساختمان.

آدرس مطلب در پایگاه اطلاع‌رسانی مقررات ملی ساختمان: yon.ir/moqararat

حضرت در روایت می‌فرماید «سوق المسلمین»؛ راجع به بازار صحبت می‌کند منتها به دو قید مؤثر در روابط انسانی؛ یکی اینکه حضرت از بیوت السوق کسب کرایه نمی‌کردند خب این مسئله در روابط انسانی یک مسئله مهمی است یعنی ساختمان را به اثری که در تنظیم روابط انسانی دارد معرفی می‌کند. یکی هم اینکه مدیریت این ساختمان را به شکل متمرکز قرار نمی‌دهند تا زمینه فساد به وجود بیاید که نفر بگوید شما به اینجا برو و در پشت پرده یک معامله‌ای صورت گرفته باشد. حضرت می‌فرماید: «فَمَنْ سَبَقَ إِلَى مَكَانٍ فَهُوَ أَحَقُّ بِهِ» یعنی خود مردم به نحو اختیاری، هرکسی که زودتر آن دکه را بگیرد در اختیار او قرار خواهد گرفت. این‌ها همه نکات دقیق در روایت هستند. بنابراین زیرساخت اول زیرساخت کالبدی با قید روابط انسانی است.

زیرساخت دوم - طبق روایتی که خوانده شد - زیرساخت آموزشی با قید حذف ربا است؛ یعنی پایه بحث، عبور از ربا است.

و زیرساخت سوم هم مدیریت اختلافات بازار در محل بازار است. این مسئله هم خیلی مهم است؛ روایت می‌فرماید: «أَنَّه كَانَ يَمُشِي فِي الْأَسْوَاقِ» همیشه کار حضرت این بود که در بازار مسلمین عبور پیدا کرده و مجموعه‌ای از کارها را انجام دهند که مهم‌ترین آن همین مسئله قضا و قضاوت در اختلافات بازار بود.

از مجموعه این دو دسته روایات که خدمت شما بیان شد چند اصل به دست آمد: مهم‌ترین اصلی که به دست می‌آید این است که ما در اسلام باید به دنبال عمومی کردن تجارت باشیم و تجارت نباید شغلی مربوط به یک عده خاص باشد. حالا اگر تجارت عمومی شد - در بحث مطرح کردیم - نظامی از فواید به دست خواهد آمد. توجه کنید یک حاکمیتی بنای خود را بر این می‌گذارد که تجارت را عمومی کند - که این یک فرض مسئله است - و یک حاکمیتی هم بنا را بر روی این می‌گذارد که تجارت را در دست یک عده خاصی نگه دارد؛ به اصطلاحی که امروزه در محاورات عرفی مطرح است در فرض دوم سلطان‌ها شکل خواهند گرفت؛ سلطان قیر، سلطان شکر، سلطان موز. نمی‌دانم که با اسامی این برادران سلطان آشنا هستید یا خیر؟! این افراد صاحب تخلف و مُتَرَف هستند اما زمینه اِتراف آن‌ها را سیستم حاکمیتی برای آن‌ها آماده کرده است، آن هم سیستم حاکمیتی‌ای که به سمت عمومی کردن تجارت نمی‌رود.

۲/۳. تغییر در سیاست‌ها و قوانین حوزه تجارت، تغییر سیاست‌های محرومیت‌زدایی و کاهش قیمت تمام شده کالا؛ دو دسته فایده عمومی شدن

تجارت

حالا اگر در این فرض چنین بگوییم که اصل در مسئله بازارها به این شکل است که تجارت را عمومی کنیم با این کار چند دسته فایده به دست خواهد آمد؛

۲/۳/۱. تغییر در سیاست‌ها و قوانین حوزه تجارت؛ اولین دسته فایده عمومی شدن تجارت

اولین دسته فایده آن این است که باید سیاست‌ها و قوانین حوزه تجارت تغییر پیدا کند و این قانون حوزه تجارتی که در روزهای اخیر تأخیر افتاد - بنده برای بار دوم عرض می‌کنم - ناظر به عمومی کردن تجارت نیست. بخشی از سیاست‌های آن ناظر به این است که تجارت‌های بین‌الملل ما را گسترش دهد - که ان‌شاء الله در باب پنجم و آخر این دوره بحثی عرض خواهم کرد که چه قواعدی از تجارت بین‌الملل اسلام را نادیده گرفته است. پس بیان می‌کنید بافت سیاست‌گذاری حاکمیت تغییر پیدا می‌کند؛ یعنی وقتی سیاست‌های کلی نظام در حوزه تجارت را اعلام می‌کنید روح اصلی آن این است که تجارت را عمومی کند. این از ثمرات اولیه این بحث است.

۲/۳/۲. تغییر سیاست‌های محرومیت‌زدایی؛ دومین دسته فایدهٔ عمومی شدن تجارت

ثمرات دوم این بحث هم آن است که به دلیل اینکه مردم وارد حوزه تجارت به نحو عمومی می‌شوند، سیاست‌های فقرزدایی و محرومیت‌زدایی کشور هم تغییر پیدا می‌کند. در حال حاضر اصل در فقرزدایی و محرومیت‌زدایی امداد مستضعفین و فقرا است. بنده همیشه عرض کرده‌ام که به نحو موقت اشکال ندارد [به این شکل عمل کنیم]؛ یعنی مادامی که امر دایر است بین اینکه سیاست‌های حوزه سرمایه‌داری در کشور اجرا شود و ما کمک امدادی به فقرا بدهیم، امداد به فقرا نسبت به اجرای سیاست‌های سرمایه‌داری در کشور اولویت دارد؛ به دلیل اینکه اگر سرمایه‌داری در کشور اجرا شود هیچ‌گاه فقر برطرف نخواهد شد. می‌گویید که به کدام دلیل این قدر محکم حرف می‌زنید؟ می‌گوییم به دلیل عدم برطرف شدن فقر در توسعه‌یافته‌ترین کشورهای دنیا؛ در ایالات متحده آمریکا فقر برطرف نشده، در کشورهای اسکاندیناوی فقر برطرف نشده بلکه معانی جدیدی از فقر مانند فقر عاطفی و عقلی تحقق پیدا کرده است.^{۴۵} در کشورهای اروپایی فاصله طبقاتی یک امر مهمی است که بشر آن را تحمل می‌کند. بنابراین ما به این دلیل اعتقاد داریم که اگر امر دایر است بین اینکه کشور را توسعه‌یافته کرده و بر اساس سیاست‌های توسعه عمل کنیم یا به نحو مقطعی فقرا را امداد کنیم حتماً کمک مقطعی اولویت دارد کما اینکه در دولت نهم این نوع سیاست‌ها اجرا شد.

اما باید توجه کرد که سیاست اصلی اسلام برای فقرزدایی عمومی کردن مسئله تجارت است. بنابراین سیاست‌های حوزه محرومیت‌زدایی کشور هم تغییر پیدا می‌کند؛ مثلاً دولت می‌تواند اهتمام کرده و با قواعد جانمایی - که بعداً در دوره‌های تفصیلی فقه‌المکاسب بحث می‌کنم - بازارهای موقت را در کشور احیا کند و مثلاً از طریق احیای بازارهای موقت به سمت فقرزدایی برود. البته این قسمت یک بحث تکمیلی دارد که باید آن را بعداً بحث کنیم.

۲/۳/۳. کاهش قیمت تمام‌شده کالا؛ سومین دسته فایدهٔ عمومی شدن تجارت

مسئله سومی که از فواید عمومی شدن تجارت این است که قیمت تمام شده کالاها هم کاهش پیدا می‌کند. این هم مسئله بسیار مهمی است؛ به دلیل اینکه عرض کردم که [با این کار] هزینه‌های چهارگانهٔ تولید صنعتی حذف شده و تجارت متمرکز از این نوع کسب‌وکار حذف می‌شود. بنابراین این سه دسته فایده هم برای ما حاصل خواهد شد.

بنده عرایض خود را جمع کرده تا از محضر دوستان استفاده کنم. ما به استظهار دو دسته از روایات، ویژگی‌های الگوی توزیع و تولید اسلام را بررسی کردیم. دسته اول، آیات و روایاتی هستند که با اتکای به چهار مبنا تشویق به تجارت می‌کنند و این آیات و روایات با اتکای به آن مبناهای چهارگانه به ما کمک می‌کند که نظام ارزشی جامعه را نسبت به مسئله تجارت ارتقا دهیم، ارتقا از نگاه به تجارت به عنوان به یک امر و عاملی برای ایجاد ارزش افزوده به یک تلقی از تجارت به عنوان ابزار تقویت سود ارتباطی و اینکه شغل را به عنوان زیرساخت هدایت تلقی کنیم.

دسته دوم روایات مربوط به طراحی زیرساخت‌های ثلاث برای عمومی شدن مسئله تجارت است. زیرساخت‌های کالبدی، آموزش و پیشگیری و عبرت. این سه دسته روایات هم کمک می‌کند که یک ویژگی‌هایی را برای طراحی بازارهای آینده به دست آوریم. پس ان شاء الله وقتی در آینده به کمک شما طلبه‌های بی‌خاسته برای حل مشکلات مردم، بازارها را ساختم، در یاد داشته باشید که مثلاً شعبه قضایی بازارهای موقت ما نمی‌تواند چند خیابان دورتر از محل بازار موقت باشد بلکه باید درون

۴۵. برای مشاهدهٔ آمار فقر مالی و عاطفی در آمریکا، اسکاندیناوی و ... ر.ک پیوست شمارهٔ ۲.

همان بازار باشد. مجازات‌هایی هم که آن شعبه‌های قضایی اعمال می‌کنند باید استظهاری باشد، نباید قاضی به صورت عقلایی و طبق فلان قانون مجازات که نسبت آن با فقه، معلوم نیست عمل کند. باید بر روی مجازات‌های فقهی که بخش عمدهٔ مجازات‌های فقهی در حوزه کسب برای فرد متخلف، «تقیص عرض» ایجاد می‌کند تمرکز کنیم و این کار به اینکه بازار سالم باشد خیلی کمک می‌کند. بنابراین ان‌شاءالله باید این مسئلهٔ زیرساخت قضایی و آموزشی هم مورد توجه قرار گیرد. بنده دوست دارم فعلاً با همکاری برخی از مدارس و برخی از خانواده‌ها که متکلف تربیت هستند، تلاش کنیم که کتاب تجارت هم موضوع آموزش شود و الان که در حال بزرگ کردن فرزندان خود هستیم مثلاً یک پدر در یک برنامهٔ منظمی راجع به تفاوت‌های مکاسب‌الشریعه و فقه‌المکاسب با مکاتب اقتصادی موجود بحث کند تا زمینه «الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُنْتَجَرَ» بنا بر توصیهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام هم آماده شود. البته دقت می‌فرماید که -در روایت هم هست- حضرت در بیرون از بازار نمی‌فرمودند «الْفَقْهَ ثُمَّ الْمُنْتَجَرَ» بلکه در خود بازار چنین می‌فرمودند. پس مثلاً مانند دوره صفویه باید ساعت هفت صبح آموزش‌های فقه‌المکاسب در بازار راه بیفتد؛ یک ساعت آموزش دیده و بعد به سراغ تجارت بروند. ساختار آموزشی بازار هم باید در خود مسجد باشد؛ لذا در روایات داریم که مساجد چهار نوع هستند^۶ که یک نوع آن مسجد بازار است.^۷ برای چه بازار به مسجد نیاز دارد؟ به دلیل اینکه می‌خواهیم در مسجد بازار آموزش و عبادت داشته باشیم. ان‌شاءالله این بازارها را با این قیود طراحی خواهیم کرد. امیدوارم در آینده توفیق پیدا کرده و تفصیلی‌تر از این بحث، اصول بازار و تجارت را بحث کنم.

وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۶۶. عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: صَلَاةٌ فِي بَيْتِ الْمُقَدَّسِ أَلْفُ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْأَعْظَمِ مِائَةٌ صَلَاةٍ وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْقَبِيلَةِ خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ السُّوقِ اثْنَتَا عَشْرَةَ صَلَاةً وَ صَلَاةٌ الرَّجُلِ فِي بَيْتِهِ وَحَدَّةٌ صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ.

[ثواب] نماز در بیت المقدس هزار نماز است و [ثواب] نماز در مسجد بزرگ (جامع) صد نماز است و [ثواب] نماز در مسجد قبيله پنجاه نماز است و [ثواب] نماز در مسجد بازار دوازده نماز است و نماز شخص به تهایی در خانه اش یک ثواب دارد.

تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۵۳

۶۷. عَنْهُ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: الصَّلَاةُ فِي مَسْجِدِ السُّوقِ اثْنَتَا عَشْرَةَ صَلَاةً.

امام علی علیه السلام: [ثواب] نماز در مسجد بازار به اندازه دوازده نماز [در خانه] است.

المحاسن، ج ۱، ص ۵۷

پیوست‌ها

پیوست ۱: مطلب در مورد جلوگیری سیستمی از فساد از دورهٔ برنامه‌ریزی با نگاه الگوی پیشرفت اسلامی (در دانشگاه شریف)

بنده مثال می‌زنم تا بحث روشن‌تر شود. من سه مسأله در ذهن دارم که به نظرم می‌رسد این سه مسأله در حال حاضر جزء مسائل روز کشور محسوب می‌شوند و باید برای آنها راه حل ارائه کنیم. دیشب در شبکه خبر گفت‌وگویی صورت گرفت^۱ که از نظر دوستان ما ظاهر آن به الگوی پیشرفت ربطی نداشت. گفت‌وگو بر سر مسأله "ثبث سند خودرو" بود. ظاهر موضوع این است که این مسأله به الگو ربطی ندارد و در مباحث الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نمی‌توانیم به این موضوع ورود پیدا کنیم.

حالا داستان ثبث سند خودرو چیست؟ بین کانون وکلا و نیروی انتظامی اختلافی ایجاد شده بود و دوستان در شبکه خبر بحث می‌کردند که قانون تصویب‌شده در مجلس شورای اسلامی، راجع به رفع این اختلاف دقیقاً چه مطلبی گفته است. این، موضوع کل جلسه بود. کانون وکلا با تکیه بر برخی از عبارات قانون مصوب قبل از انقلاب نکاتی را مطرح می‌کرد، ۲ نیروی انتظامی نیز با استناد به قانون مصوب سال ۸۹ بحث دیگری را مطرح می‌کرد. ۱۰ در حقیقت یک دعوی حقوقی مطرح شده بود و طرفین، حقوق‌دان بودند و بحث می‌کردند که قانون برای رفع این مسأله چه راه حلی را پیشنهاد داده است. اصل داستان نیز بر روی مسأله ثبث سند خودرو بود.

حالا چرا قضیه ثبث سند خودرو به این میزان مهم شده بود؟ چون اگر ثبث سند خودرو به صورت استاندارد - یعنی همان‌گونه که کانون وکلا به دنبال آن هست - محقق نشود، در آینده معاملات به چالش کشیده خواهند شد؛ یعنی در نزاع‌های حقوقی دلیل محکمه‌پسندی برای رفع این نزاع حقوقی بر سر معاملات وجود نخواهد داشت. این مسأله‌ای که بنده مثال زدم در کشور ما در چند سال اخیر به شدت بالا گرفته است؛ یعنی داستان کلاهبرداری در معاملات ارتقاء پیدا کرده و قانون‌گذاران و نهادهای اجرایی به این فکر می‌کنند که چگونه این اختلافات را رفع کنند. همین داستان در پدیده زمین‌خواری نیز وجود دارد. به هر حال در جامعه ما فضایی ایجاد شده است که زمین‌خواری به کوه‌خواری، دریاخواری و انواع و اقسام هجوم‌های صاحبان قدرت و ثروت به انفال و بیت‌المال تبدیل شده است. ما باید این مسائل را به عنوان یک واقعیت و چالش بپذیریم.

در کنار پدیده زمین‌خواری با پدیده اختلاس نیز روبرو هستیم؛ در جامعه ما اخبار به گونه‌ای است که اگر شما امروز تلویزیون را روشن کنید و مطلع شوید که یک اختلاس هزار میلیاردی اتفاق افتاده، این امر برای شما یک موضوع شگفت‌انگیز نخواهد بود.

مسئولین در بحث اختلاس نیز مانند بحث سند خودرو که می‌خواستند مسأله را با بند قانونی حل کنند به دنبال این هستند که این موضوع را با شفافیت حل کنند. ۱ شفافیت یعنی چه؟ یعنی اطلاعات به شکلی در دسترس عموم قرار بگیرد که چیزی مخفی نباشد؛ این خلاصه مفهوم شفافیت است. اگر شفافیت اتفاق بیفتد، دیگر کسی نمی‌تواند به طور جدی سوء استفاده کند. بنده حدود یک ماه پیش با یکی از کارشناسان قدیمی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور در کمیسیون تلفیق مباحثه‌ای داشتم و ایشان به بنده می‌گفتند دو سفر به مقرر بانک جهانی داشته‌ام و با کارشناسان بانک جهانی مشورت‌هایی انجام داده‌ام و قرار است ان‌شاء‌الله! در اثر اجرای همان سیاست‌های مبتنی بر شفافیت در نظام خزانه‌داری و بودجه‌ریزی و قانون‌گذاری کشور، شفافیت را ارتقاء دهیم.

ایشان مانند راه حل همان دو کارشناسی که شب گذشته در شبکه خبر بحث می‌کردند، به دنبال راه حل روبنایی بودند. ایشان می‌گفتند: باید دسترسی مردم را نسبت به اطلاعات تسهیل کنیم تا امکان سوء استفاده منتفی یا کمتر شود. غافل از اینکه در این مسأله نیز درست مانند مثال اول، روابط انسانی به چالش کشیده شده است؛ یعنی در انسان‌ها و جامعه میلی به اختلاس و مصرف بیش از استاندارد زهد ایجاد شده است که یک تبلور آن، مسأله اختلافات حقوقی در معاملات است، تبلور دیگر آن، مسأله اختلاس و زمین‌خواری و سوء استفاده از بیت‌المال است. اگر ریشه هر دو مسأله را بررسی کنید، متوجه می‌شوید که روابط انسانی به چالش کشیده شده است.

این یک واقعیت است که جامعه ما توسعه‌یافته‌تر شده است و به تبع بحث‌های جلسات گذشته از جمله الزامات توسعه‌یافتگی این است که اصل آهنبین منافع شخصی به عنوان محور تعادل اجتماعی قرار گیرد؛ پس جامعه حریص‌تر شده است و ما با نظم حول اقتصاد، سطح حرص جامعه را بالاتر می‌بریم و طبیعتاً در روینا معضل ایجاد می‌شود. سپس می‌گوییم باید این معضل را با یک بند قانونی و شفافیت حل کنیم.

وقتی هر کدام از این مسائل را - که بنده دو مسأله را بازگو کردم - می‌شکافیم، متوجه می‌شویم که انسان‌ها در روابط انسانی حریص‌تر شده‌اند و وقتی شما انسان‌ها را حریص‌تر می‌کنید، این حرص پایه کفر خواهد بود. بنده به نظر خودم در جلسات گذشته یک تحلیل فنی ارائه دادم و به

صورت فنی نشان دادم که حرص به کفر منتهی می‌شود. حرص باعث می‌شود که سطح تقاضا در درون انسان‌ها ارتقاء پیدا کند و وقتی سطح تقاضا ارتقاء پیدا کرد، انسان‌ها برای تأمین تقاضای ارتقایافته‌ی خود، به سمت استثمار منابع در اختیار دیگران می‌روند؛ یعنی ریشه تعرض به حقوق دیگران، عدم اکتفا به سطح خاصی از تقاضاست که ما در ادبیات فنی و حکیمانه دینی از این سطح خاص تقاضا به زهد تعبیر می‌کنیم. اگر انسان به سبب محیط یا به سبب رفتارهای خود - که هر دو عامل مؤثر است - از استاندارد زهد خارج شود و تقاضاهای او به صورت افسارگسیخته طراحی شود [به حقوق دیگران تجاوز خواهد کرد].

خُب ما با نظم اجتماعی هر روز تحریک تقاضا می‌کنیم و هر روز حرص مردم را تحریک می‌کنیم و این حرص باعث می‌شود که سطح تقاضای مردم افزایش پیدا کند. در گام بعد آنها به داشته‌های خود قانع نخواهند بود و به سمت استثمار دیگران حرکت خواهند کرد و یکی از موارد استثمار دیگران، کلاهبرداری در معاملات، مورد دیگر آن اختلاس، مورد دیگر آن زمین‌خواری و ... است. این یک اخلاق است ولی مصادیق متعدد دارد

جلسه هشتم از دوره چهل روزه تبیین مفهوم برنامه ریزی در دانشگاه شریف

پیوست ۲: آمار فقر مالی و عاطفی در آمریکا، اسکانداونوی و ...

فقر در آمریکا:

گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل دسامبر ۲۰۱۷ با مأموریت بررسی وضعیت فقر مطلق در آمریکا بازدید از این کشور داشت. فیلیپ آلستون در پایان بازدید دو هفته‌ای خود گزارشی تهیه کرده که حاوی نکات جالب توجهی است. این گزارش نشان می‌دهد آمریکا با این‌که بیش از یک‌پنجم اقتصاد جهان را در اختیار دارد و به عنوان موتور اقتصاد جهان شناخته می‌شود، اما بخش مهمی از مردمش به لحاظ فقر و نداری دست‌کمی از کشورهای ضعیف و در حال توسعه ندارند. گزارشگر سازمان ملل نتایج ارزیابی‌های خود را این‌گونه خلاصه کرده است:

۱- ایالات متحده آمریکا یکی از ثروتمندترین، قدرتمندترین و پیشرفته‌ترین کشورهای جهان است. اما نه ثروت، نه قدرت و نه فناوری این کشور در وضعیت ۴۰ میلیون آمریکایی فقیر نمایان نیست. ثروت، قدرت و فناوری آمریکا دردی از دردهای این افراد دوا نکرده است.

۲- من در جریان سفر با مردمانی دیدار کردم که بسختی در محله بی‌خانمان‌های لس‌آنجلس زندگی می‌کردند. من پلیسی را در سانفرانسیسکو دیدم که به گروهی از افراد بی‌خانمان می‌گفت چادرهایشان را جمع کنند و بروند اما وقتی گفتند کجا برویم، پاسخی نداشت. من مناطقی را در ایالات مختلف آمریکا دیدم که دولت‌های محلی تأمین خدمات بهداشتی برای این مناطق را جزو وظایف خود نمی‌دانستند. من افرادی را دیدم که دندان‌های در دهان برایشان باقی نمانده بود زیرا ارائه خدمات بهداشت دهان و دندان جزو برنامه‌های مبارزه با فقر در این کشور قرار ندارد. به من خبر دادند که بر اثر اعتیاد و مصرف مواد مخدر نرخ مرگ‌ومیر و طلاق و فروپاشی خانواده‌ها افزایش یافته است.

۳- براساس آمارها آمریکا یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است. این کشور بیشتر از مجموع چین، روسیه، انگلیس، عربستان، هند، فرانسه و ژاپن در بخش نظامی خود هزینه می‌کند. اما سرانه پزشک و تخت بیمارستانی در آمریکا کمتر از متوسط کشورهای صنعتی است.

۴- آمریکا بالاترین نرخ مرگ‌ومیر کودکان را میان کشورهای توسعه یافته براساس آمار سال ۲۰۱۳ دارد.

۵- مردم آمریکا در مقایسه با مردمان هر کشور ثروتمند دیگر عمری کوتاه‌تر دارند و روزهای بیشتری با بیماری دست و پنجه نرم می‌کنند. شکاف سلامت میان آمریکا و کشورهای هم‌قطارش افزایش روزافزون دارد.

۶- بیماری‌های گرمسیری مثل زیکا به طور فزاینده‌ای در آمریکا رو به گسترش است. تخمین زده می‌شود بیش از ۱۲ میلیون آمریکایی به آلودگی انگلی مبتلا هستند.

۷- بالاترین شیوع چاقی در میان کشورهای توسعه یافته به آمریکا اختصاص دارد.

۸- آمریکا از نظر دسترسی مردم به آب آشامیدنی و بهداشت رتبه‌ای بهتر از ۳۶ در جهان به دست نیاورده است.

- ۹- آمریکا بالاترین سرانه زندانیان را در جهان دارد. سرانه زندانیان در این کشور حتی بیشتر از ترکمنستان، السالوادور، کوبا، تایلند و روسیه است. سرانه زندانیان در آمریکا پنج برابر متوسط کشورهای توسعه یافته است.
- ۱۰- نرخ فقر جوانان در آمریکا بالاترین رقم در بین کشورهای صنعتی است. از هر چهار جوان آمریکایی یک نفر در فقر زندگی می‌کند. در کشورهای صنعتی به طور متوسط ۱۴ درصد جوانان در فقر زندگی می‌کنند.
- ۱۱- آمریکا در رتبه سوم کشورهای صنعتی از نظر شاخص‌های فقر و نابرابری قرار دارد.
- ۱۲- بالاترین ضریب جینی در میان کشورهای صنعتی به آمریکا اختصاص دارد. ضریب جینی شکاف درآمدی را نشان می‌دهد.
- ۱۳- آمریکا بالاترین نرخ فقر کودکان را در مقایسه با پنج کشور ثروتمند دیگر یعنی کانادا، انگلیس، ایرلند، سوئد و نروژ دارد. ۱۸ درصد کودکان در این کشور برابر با ۱۳/۳ میلیون نفر در فقر به سر می‌برند. ۴۲ درصد کودکان سیاهپوست در آمریکا با فقر دست و پنجه نرم می‌کنند.
- ۱۴- دولت‌های آمریکا چه دولت فعلی و چه دولت‌های سابق حقوق اقتصادی و اجتماعی را جزو حقوق بشر به حساب نمی‌آورند. این در حالی است که دولت آمریکا به عنوان امضاکننده بیانیه جهانی حقوق بشر از کشورهای جهان خواسته است تا به حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان خود احترام بگذارند. دولت آمریکا تنها دولت در میان کشورهای توسعه یافته است که اعتقاد دارد محافظت از مردم در برابر مرگ‌ومیر ناشی از گرسنگی، عدم دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و سایر محرومیت‌ها جزو وظایف دولت نیست.
- ۱۵- بررسی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از ثروتمندترین شهروندان آمریکا براساس نرخی که دیگران مالیات می‌دهند مالیات پرداخت نمی‌کنند. بسیاری از آنها ثروت خود را از راه سفته‌بازی و بدون آن‌که کمکی به رشد ثروت در جامعه آمریکا کنند به دست می‌آورند.
- ۱۶- این‌طور تصور می‌شود افراد فقیر در آمریکا فقط رنگین‌پوست و از نژاد آفریقایی - آمریکایی یا از مهاجران اسپانیولی هستند. اما جالب است بدانید جمعیت فقرای سفیدپوست هشت میلیون نفر بیشتر از جمعیت سیاهپوستان فقیر است. بسیاری از سیاستمدارانی که من با آنها صحبت کردم چنین دیدگاه غلطی داشتند. آنها که در میل‌های راحتی لم داده‌اند، تلویزیون رنگی نگاه می‌کنند و روی گوشی‌های هوشمند خود خم شده‌اند چگونه می‌توانند از اوضاع و احوال حوزه‌های انتخابیه خود و مردمی که به آنها رأی داده‌اند آگاه شوند.
- ۱۷- از هر هشت آمریکایی یک نفر در فقر زندگی می‌کند یعنی ۱۲/۷ درصد جمعیت آمریکا فقیر هستند که می‌شود ۴۰ میلیون نفر. حدود نصف این رقم یعنی ۱۸/۵ میلیون نفر در فقر مطلق به سر می‌برند. این افراد با درآمد دو دلار در روز زندگی می‌کنند. از ۴۰ میلیون فقیری که در آمریکا زندگی می‌کنند گروهی فقیر متولد شده‌اند و گروهی نیز به دلیل شرایط و احوالی که خارج از کنترلشان بوده مثل معلولیت‌های روانی و فیزیکی، طلاق، فروپاشی خانواده، بیماری، پیری، بیکاری و تبعیض در بازار کار به فقر دچار شده‌اند.
- ۱۸- ریشه‌کنی فقر در کشور ثروتمندی مثل آمریکا نیاز به معجزه ندارد. بویژه ریشه‌کنی فقر مطلق کار سختی نیست و فقط به اراده سیاسی نیاز دارد که فعلاً در سیاستمداران آمریکا وجود ندارد.
- ۱۹- در اقتصاد قرن بیست و یکمی آمریکا تنها درصد اندکی هستند که از خطر سقوط به دره فقر و ناداری مصون هستند. همچنین آمریکا پایین‌ترین درجه تحرک اجتماعی را در مقایسه با سایر کشورهای ثروتمند دارد.
- ۲۰- بر اساس آمارهای رسمی جمعیت کارتن‌خواب‌های آمریکا بیش از نیم میلیون نفر برآورد شده است. یعنی از هر ۵۰۰ آمریکایی یک نفر در خیابان می‌خوابد. فقط در نیویورک ۷۶ هزار نفر کارتن‌خواب هستند. حتی آمار واقعی از این آمار بیشتر است. کارتن‌خواب‌ها همه جا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. آنها حتی خواب راحتی ندارند و در معرض سرما، گرما و انواع سختی‌ها قرار دارند.

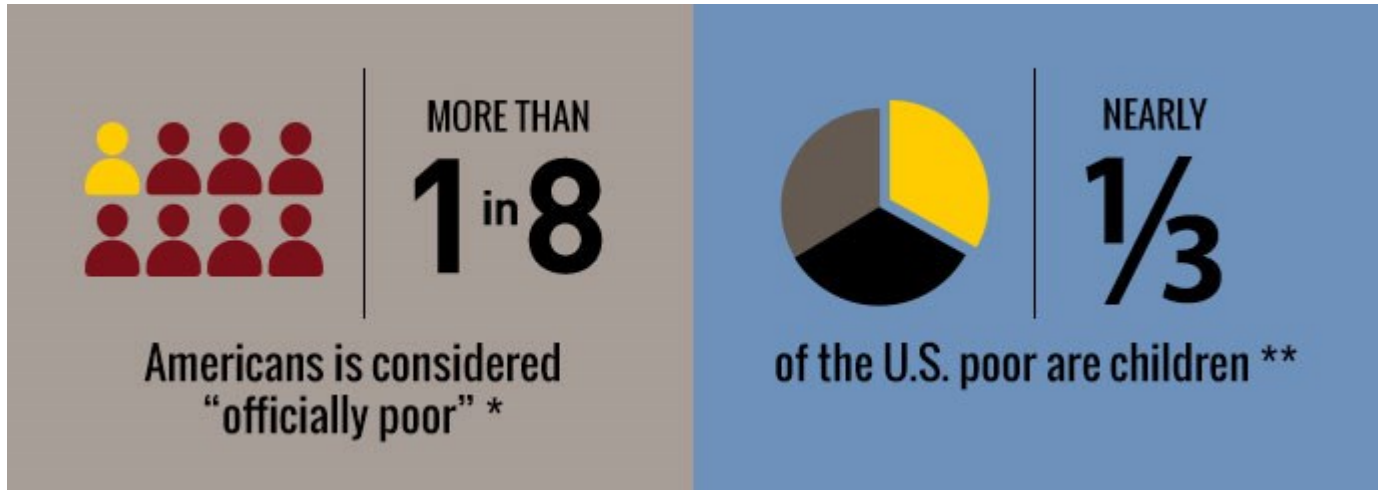
آدرس مطلب در خبرگزاری تسنیم: yon.ir/poverty

Number of children in the U.S. living under the poverty line ۳۹,۷ million.

Poverty rate in the U.S. ۱۲٫۳%

تعداد فرزندی که در آمریکا زیر خط فقر زندگی می‌کنند، ۳۹٫۷ میلیون نفر است.

درصد فقر در آمریکا ۱۲٫۳ درصد است.



آدرس مطلب در پایگاه رسمی دیتابیس Statista: yon.ir/states

ترجمه تصویر: بیش از یک نفر در هر هشت نفر آمریکایی به طور رسمی، فقیر ثبت شده‌اند.

In ۲۰۱۷, nearly ۴۰-million people lived below the poverty line in the United States. Of those, ۱۲٫۸million were children.

در سال ۲۰۱۷ در ایالات متحده آمریکا نزدیک به ۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر هستند. ۱۲٫۸ میلیون نفر آنان کودکان هستند.

آدرس مطلب در پایگاه poverty solutions متعلق به دانشگاه میشیگان: yon.ir/povertyfac

فقر در سوئد:

Stockholm with its strong social programs struggles with poverty. In fact, between 2001 and 2011, the poverty rate rose from about 8-9 percent to 15 percent. In Sweden, more than one in ten children, approximately ۲۲۰,۰۰۰, live in poverty.

استکهلم با برنامه‌های اجتماعی قوی با فقر دست و پنجه نرم می‌کند. در حقیقت، بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱، نرخ فقر از حدود ۸-۹٪ به ۱۵٪ افزایش یافته است. در سوئد از هر ۱۰ کودک بیش از یکی، تقریباً ۲۲۰۰۰۰ کودک، در فقر زندگی می‌کنند.

London: ... 28 percent of its population is living in poverty. ... There are also about a million people between the ages of 16 and 24 who are unemployed.

لندن: ۲۸٪ جمعیت آن در فقر زندگی می‌کنند. ... در لندن حدود یک میلیون بیکار بین سن ۱۶ تا ۲۴ وجود دارند.

آدرس مطلب در پایگاه رسمی citi.io: yon.ir/cities

فروپاشی خانواده در کشورهای اسکاندیناوی:

آمار سال ۲۰۱۳ سوئد:

به گزارش سرویس فرهنگی جام نیوز به نقل از سایت رادیو سوئد، وضعیت و شکل خانوارها در سوئد تغییر یافته و بیشتر به خانوارهای تک‌نفره تبدیل شده است. آماري که مرکز آمار سوئد تهیه کرده، نشان می‌دهد که در ۲۰ سال تحقیق پیرامون خانوارهای سوئدی، برای نخستین بار ۳۸ درصد این خانوارها را تک‌نفره‌های بدون فرزند تشکیل می‌دهند. در ردیف‌های بعدی زوج‌های بدون فرزند به میزان ۲۵ درصد و پس از آن زوج‌های با فرزند به میزان ۲۲ درصد قرار دارند. این آمار در سال ۱۹۸۰، بالغ بر ۱۸ درصد همه خانوارهای بچه دار می‌شد.

فارسی ... Persiska

بخش فارسی رادیو بین‌المللی سوئد

روزهای نوشته، سه‌شنبه و چهارشنبه، از ساعت ۱۳ تا ۱۳:۳۰



برندگان جوایز نودل ۲۰۱۳

ژواک را در فیسبوک
نمایش کنند

شروع

بازگامی مطالب

شکل جدید خانوار در سوئد

بخش شده: Persiska, tisdag 3 december kl 17:39 ... فارسی



وضعیت و شکل خانوارها در سوئد تغییر یافته و بیشتر به خانوارهای تک‌نفره تبدیل شده است.

آماري که مرکز آمار سوئد تهیه کرده، نشان می‌دهد که در ۲۰ سال تحقیق پیرامون خانوارهای سوئدی، برای نخستین بار ۳۸ درصد این خانوارها را تک‌نفره‌های بدون فرزند تشکیل می‌دهند.

در ردیف‌های بعدی زوج‌های بدون فرزند به میزان ۲۵ درصد و پس از آن زوج‌های با فرزند به میزان ۲۲ درصد قرار دارند.

آدرس مطلب در خبرگزاری جام نیوز: yon.ir/swedfamily

آمار سال ۲۰۱۸ سوئد:

The number of households in Sweden in ۲۰۱۸ amounted to around ۴٫۷ million. Among these, the most common type of household, around ۴۰ percent, was the single-person household without children, which amounted to around ۱٫۸ million. The second most common household type was cohabiting or married couples living without children, in around ۱٫۸ million households.

تعداد خانوارها در سوئد در سال ۲۰۱۸ به حدود ۴٫۷ میلیون رسید. در بین اینها، رایج‌ترین نوع خانوار، حدود ۴۰ درصد، خانواده تک فرد بدون فرزند است که بالغ بر ۱٫۸ میلیون نفر بود. دومین نوع رایج خانواده همخانه یا زوج‌های متأهل بدون فرزند، در حدود ۱٫۸ میلیون خانواده بود.

آدرس مطلب در پایگاه رسمی دیتایس: yon.ir/household: Statista

وعن أحمد بن إسحاق بن سعد عن بكر بن محمد عن أبي عبد الله ع قال لفضيل: جَلِسُونِ وَتُحَدِّثُونِ؟ قَالَ: نَعَمْ جَعَلْتُ فِدَاكَ
قَالَ: إِنَّ تِلْكَ لِلْجَالِسِ أَحَبُّهَا، فَأَحْيُوا أَمْرَنَا يَا فَضِيلُ، فَرَجَّحَ اللَّهُ مَنَ أَحْيَا أَمْرَنَا.
يَا فَضِيلُ، مَن ذَكَرْنَا أَوْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِثْلُ جَنَاحِ الدُّبَابِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ أَكْمَرُ مِن زَيْدِ الْبَحْرِ

قرب الإسناد: امام صادق عليه السلام به فضيل فرمود: آیا با هم می نشینید و گفتگو می کنید؟ عرض کرد: آری، فدایت شوم.
فرمود: من این مجالس را دوست دارم. ای فضیل! راه ما را زنده نگه دارید. رحمت خدا بر آن که امر ما را زنده بدارد. ای
فضیل! هر کس ذکر ما بگوید یا در حضور او ذکر ما شود و از چشمش به اندازه پر مگسی اشک درآید خداوند گناهان او
را می بخشد اگر چه فزونتر از کف دریا باشد.

مصدر: قرب الاسناد، ج ۱، ص ۳۶

منبع فرعی: بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲

ما به استظهار دو دسته از روایات، ویژگی‌های الگوی توزیع و تولید را اسلام
بررسی کردیم. دسته اول، آیات و روایاتی هستند که با اتکای به چهار مبنا
تشویق به تجارت می‌کنند و این آیات و روایات با اتکای به آن مبناهای
چهارگانه به ما کمک می‌کند که نظام ارزشی جامعه را نسبت به مسئله
تجارت دهیم. ارتقا از نگاه به تجارت به عنوان به یک امر و عاملی برای
ایجاد ارزش افزوده به یک تلقی از تجارت به عنوان ابزار تقویت سود ارتباطی
و اینکه شغل را به عنوان زیرساخت هدایت تلقی می‌کنیم.

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir 

کانال "الگو ۴" در پیام‌رسان ایتا [@olgou4](https://t.me/olgou4) 